

یادآوری



در سال گذشته با «هدف زندگی» آشنا شدیم و دانستیم که مقصود و محبوب نهایی زندگی ما «خداست». او سرچشمه همه خوبی‌ها و زیبایی‌هاست و حرکت به سوی این خوبی‌ها به معنای نزدیکی به اوست. در حقیقت، راه دستیابی به همه کمال‌ها و زیبایی‌ها تقرّب به خداست. همچنین آموختیم که موجودات جهان، از آن‌ خداوند، بازگشتشان هم به سوی اوست. در میان مخلوقات پیرامون ما، بازگشت انسان، یک بازگشت ویژه است. معاد هر انسانی از اعمال اختیاری او شکل می‌گیرد. بنابراین، باید برای انجام بهترین عمل، به درستی برنامه‌ریزی کرد و عقاید، اخلاق و اعمالی که موجب رستگاری در دنیا و آخرت می‌شود را شناخت و به آنها پایبند بود.

امسال در این بخش از کتاب دین و زندگی، با روش هدایتی خداوند بیشتر آشنا می‌شویم تا با بهره‌مندی از هدایت‌های خداوند، برای بهترین زندگی در دنیا و خوشبختی جاودان در آخرت، بهتر برنامه‌ریزی کنیم.

تفکر و اندیشه

۱

بخش اول

فیلم

آب، نعمت بی نظیر خداوند، جلوه زیبایی و طراوت، مظهر پاکی و زلالی و عامل ادامه حیات است. در نبود آب، از آواز دلنشین پرندگان، طراوت و سرسبزی درختان و تبسم گل‌های زیبا و رنگارنگ طبیعت اثری نخواهد بود.



آری، آب مایه حیات و اساس زندگی در جهان است.

وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ^۲

انسان با آب نیازهای طبیعی و جسمی‌اش را برطرف می‌سازد و به‌طور کلی آب، حیات‌بخش جهان مادی و از جمله ما انسان‌هاست.

لِنُحْيِيَ بِهِ بَلْدَةً مَّيْتًا^۳

اما راستی حیات «روح» بشر وابسته به چیست؟ چه چیزی به روح و درون انسان شادابی و طراوت می‌بخشد؟ چگونه می‌توان به این اکسیر حیات دست یافت؟

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ^۴

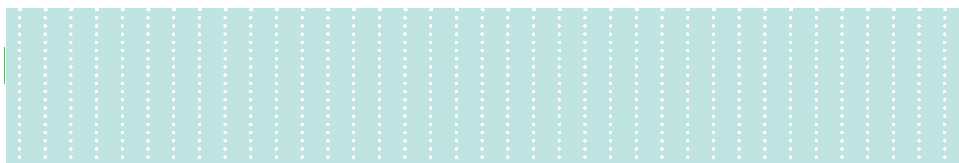
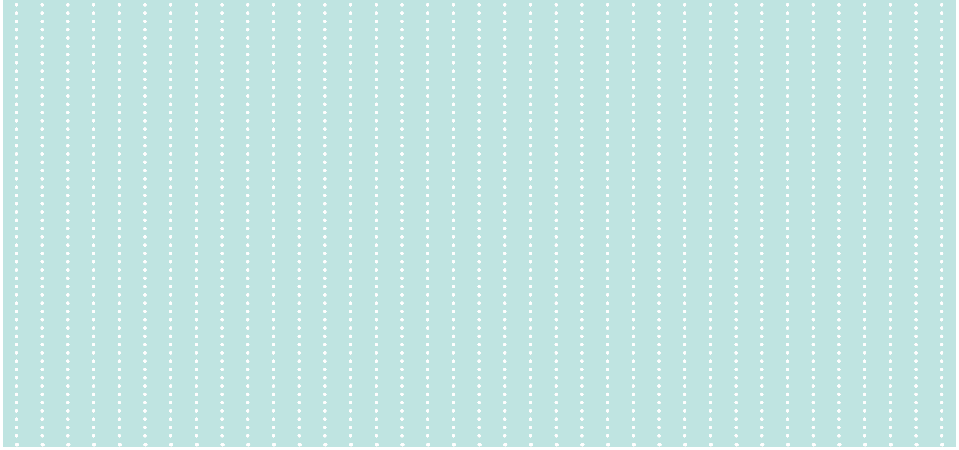
ای کسانی که ایمان آورده‌اید، دعوت خدا و پیامبر را بپذیرید؛ آنگاه که شما را به چیزی فرامی‌خواند که زندگی حقیقی می‌بخشد.

۱- دبیران و دانش‌آموزان می‌توانند فیلم‌های کوتاهی که متناسب با موضوع درس است را در سایت گروه قرآن و معارف، به آدرس <http://quran-dept.talif.sch.ir> در بخش «فیلم کوتاه» مشاهده کنند.

۲- سوره انبیاء، آیه ۳۰.

۳- سوره فرقان، آیه ۴۹.

۴- سوره انفال، آیه ۲۴.



يَا قَوْمِ لَكُمْ الْمُلْكُ الْيَوْمَ ظَاهِرِينَ فِي الْأَرْضِ فَمَنْ
يَنْصُرُنَا مِنَ بَاسِ اللَّهِ إِنْ جَاءَنَا قَالَ فِرْعَوْنُ مَا أُرِيكُمْ إِلَّا
مَا أَرَىٰ وَمَا أَهْدِيكُمْ إِلَّا سَبِيلَ الرَّشَادِ ﴿٢٩﴾ وَقَالَ الَّذِي
آمَنَ يَا قَوْمِ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ مِثْلَ يَوْمِ الْأَحْزَابِ ﴿٣٠﴾
مِثْلَ دَابِ قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ وَثَمُودَ وَالَّذِينَ مِنْ بَعْدِهِمْ وَمَا
اللَّهُ يُرِيدُ ظُلْمًا لِلْعِبَادِ ﴿٣١﴾ وَيَا قَوْمِ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ يَوْمَ
التَّنَادِ ﴿٣٢﴾ يَوْمَ تُؤَلَّفُونَ مِمَّنْ بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ اللَّهِ مِنَ اللَّهِ مِنْ عَاصِمٍ
وَمَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ ﴿٣٣﴾ وَلَقَدْ جَاءَكُمْ يُوسُفُ
مِنْ قَبْلُ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا زِلْتُمْ فِي شَكٍّ مِمَّا جَاءَكُمْ بِهِ حَتَّىٰ
إِذَا هَلَكَ قُلْتُمْ لَنْ يَبْعَثَ اللَّهُ مِنْ بَعْدِهِ رَسُولًا كَذَلِكَ
يُضِلُّ اللَّهُ مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ مُرْتَابٌ ﴿٣٤﴾ الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي
آيَاتِ اللَّهِ بِغَيْرِ سُلْطَانٍ أَتَاهُمْ كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ وَعِنْدَ الَّذِينَ
آمَنُوا كَذَلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ قَلْبٍ مُتَكَبِّرٍ جَبَّارٍ ﴿٣٥﴾ وَ
قَالَ فِرْعَوْنُ يَا هَٰمَانُ ابْنِ لِى صَرْحًا لَعَلِّي أَبْلُغُ الْأَسْبَابَ ﴿٣٦﴾

[مردی با ایمان از خاندان فرعون رو به سوی آنان گفت:] ای قوم من، امروز حکومت از آن شماست، و در این سرزمین چیره گشته‌اید، ولی [با این همه قدرت] چه کسی ما را در رهایی از عذاب خدا - اگر به سراغمان آمد - یاری می‌رساند؟! فرعون گفت: من جز آنچه را می‌بینم و به درستی آن اطمینان دارم به شما ارائه نمی‌دهم، و شما را جز به راه درست راهنمایی نمی‌کنم. ﴿۲۹﴾

و آن کس که ایمان آورده بود گفت: ای قوم من، حقیقتاً من بر شما از روزی همانند روز [عذاب] امت‌های گذشته بی‌مناکم ﴿۳۰﴾

من از نظیر آن سنتی که بر قوم نوح، عاد، ثمود و کسانی که پس از آنان بودند، جاری شد بیم دارم، و خدا برای بندگان ظلم و ستم نخواسته است. ﴿۳۱﴾

و ای قوم من، به راستی من بر شما از روزی که مردم یکدیگر را [به یاری هم] صدا می‌زنند می‌ترسم؛ ﴿۳۲﴾

روزی که روی می‌گردانید و می‌گریزید؛ در آن روز برای شما در برابر [عذاب] خدا هیچ حمایتگری نیست و خدا هر که را [به خاطر اعمالش] در بیراهه قرار دهد، هدایت کننده‌ای برای او نیست. ﴿۳۳﴾

و به راستی یوسف پیش از این، دلایل آشکار برای شما آورد، ولی شما همواره از آنچه آورده بود در تردید بودید، تا وقتی که از دنیا رفت، گفتید: هرگز خداوند پس از او رسولی بر نمی‌انگیزد. این‌گونه، خداوند کسانی را که از حدّ بگذرند و در شک و تردید به سر برند، به بیراهه می‌افکند. ﴿۳۴﴾

همان کسانی که درباره‌ی آیات خداوند بدون هیچ دلیل استواری مجادله می‌کنند. [این کارشان] خشم عظیمی نزد خداوند و نزد آنان که ایمان آورده‌اند به بار می‌آورد. این‌گونه خداوند بر دل هر متکبر زورگویی مهر می‌زند. ﴿۳۵﴾

و فرعون گفت: ای هامان، برای من بنایی مرتفع بساز [تا بر فراز آن بروم]، شاید به اسباب [وسایل و راه‌هایی] دست یابم. ﴿۳۶﴾



همه ما، نیازهای کوچک و بزرگی داریم و خوشبختی و سعادت خویش را در برآورده شدن آنها جست‌وجو می‌کنیم، رضایت از زندگی را وابسته به میزان تأمین این نیازها می‌دانیم و همواره به دنبال برنامه‌ای هستیم که بتواند ما را به بهترین شکل، در برآورده ساختن این نیازها یاری کند.

احتیاج دائمی انسان به داشتن برنامه‌ای که

پاسخگوی نیازهایش باشد و سعادت او را تضمین کند، سبب شده است که در طول تاریخ همواره شاهد ارائه برنامه‌های متفاوت و گاه متضاد از جانب مکاتب بشری باشیم. این مکاتب‌ها با ادعای رساندن بشر به سعادت، برنامه‌های گوناگونی را ارائه داده‌اند؛ اما...

آیا انسان می‌تواند تنها با تکیه بر عقل، برنامه کاملی برای سعادت خود ارائه دهد؟

یک برنامه مناسب برای سعادت انسان باید چه ویژگی‌هایی داشته باشد؟

آیا برنامه‌ای که فقط سعادت دنیای انسان را در بر بگیرد، کامل است؟

آیا می‌توان به مکاتب مختلف اعتماد کرد و زندگی را براساس برنامه‌های آنان بنا نهاد؟

نیازهای برتر

انسان همچون سایر موجودات زنده، یک دسته نیازهای طبیعی و غریزی دارد؛ مانند نیاز به آب، هوا، غذا و پوشاک. خداوند پاسخ به این نیازها را در عالم طبیعت آماده کرده و قدرت آگاه شدن از آنها را نیز به انسان داده است. برای مثال، در وقت نیاز به آب و غذا احساس تشنگی و گرسنگی می‌کند و سراغ آب و غذا، می‌رود. هنگام سرما و گرما، از مصالح موجود در طبیعت بهره می‌برد و برای خود لباس و پوشاک و مسکن تهیه می‌کند.

اما نیازهای انسان منحصر به نیازهای طبیعی و غریزی او نمی‌شود؛ زمانی که انسان، از سطح زندگی روزمره فراتر رود و در افق بالاتری بیندیشد، خود را با نیازهای مهم‌تری نیز روبه‌رو می‌بیند؛ نیازهایی که برآمده از سرمایه‌های ویژه‌ای است که خداوند به او عطا کرده است.^۱ پاسخ صحیح به این نیازهای اساسی است که سعادت انسان را تضمین می‌کند.

این نیازها به تدریج به دل‌مشغولی، دغدغه و بالاخره به سؤال‌هایی تبدیل می‌شوند که انسان تا پاسخ آنها را نیابد، آرام نمی‌گیرد. برخی از این نیازها عبارت‌اند از:

۱- شناخت هدف زندگی: انسان می‌خواهد بداند «برای چه زندگی می‌کند؟» و کدام هدف است که می‌تواند با اطمینان خاطر زندگی‌اش را صرف آن نماید؟ او می‌داند که اگر هدف حقیقی خود را شناسد، یا در شناخت آن دچار خطا شود، عمر خود را از دست داده است و چنین کسی در حقیقت، «سرمایه وجودی خود» را از بین برده است. قرآن کریم می‌فرماید:

إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ^۲

در حقیقت، زیانکاران کسانی‌اند که خودشان را دچار زیان کرده‌اند.

به همین خاطر، امام سجاد (علیه السلام) پیوسته این دعا را می‌خواند که:

«خدایا، ایام زندگانی مرا به آن چیزی اختصاص بده که مرا برای آن آفریده‌ای»^۳

۲- درک آینده خویش: انسان با این سؤال مهم و اساسی نیز روبه‌روست که:

«آینده او چگونه است؟»؛ «آیا زندگی او با مرگ تمام می‌شود، یا دفتر حیات او به شکل دیگری گشوده می‌گردد؟»؛ «اگر حیات، به شکل دیگری ادامه می‌یابد و انسان زندگی ابدی را پس از مرگ آغاز خواهد کرد، نحوه زندگی او پس از مرگ چگونه است؟»
«زاد و توشه سفر به جهان دیگر چیست؟»

۱- با این سرمایه‌ها در درس دوم کتاب دین و زندگی دهم با عنوان «بر پرواز» آشنا شده‌اید.

۲- سوره شوری، آیه ۴۵.

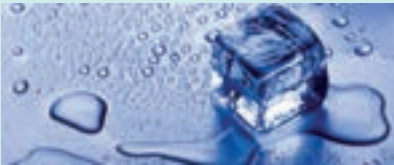
۳- وَ اسْتَغْرِغْ آبًا مِیْ مَا خَلَقْتَنِي لَهُ. دعای مکارم الاخلاق.

و «خوشبختی وی در آن سرا در گرو انجام چه کارهایی است؟»

روزها فکر من این است و همه شب بخم
که چرا غافل از احوال دل خوشتم
از کجا آمده ام آدمم بهر چه بود
به کجا می روم آخر نهایی و طعم

۳- کشف راه درست زندگی: راه زندگی، یا «چگونه زیستن» که ارتباط دقیقی با دو نیاز قبلی دارد، دغدغه دیگر انسان های فکور و خردمند است. این دغدغه از آن جهت جدی است که انسان فقط یک بار به دنیا می آید و یک بار زندگی در دنیا را تجربه می کند. بنابراین، در این فرصت تکرار نشدنی، باید از بین همه راه هایی که پیش روی اوست، راهی را برای زندگی انتخاب کند که به آن مطمئن باشد تا بتواند با بهره مندی از سرمایه های خدادادی به هدف خلقت برسد.

تدبّر در قرآن



در آیات سوره عصر تدبّر کنید و با کمک
دوستان خود، به سؤالات پاسخ دهید:

۱- خداوند در این سوره به چه چیزی سوگند
خورده است؟ چرا؟

۲- چه خسارتی انسان را تهدید می کند؟

۳- چه کسانی دچار خسران نمی شوند؟

سؤال هایی از قبیل چستی «هدف انسان»، «آینده او» و «راه درست زندگی»، دغدغه انسان های جست و جوی است که برای خود و فرصت زندگی ای که در اختیارشان قرار گرفته، ارزش قائل اند و نمی خواهند این موهبت یگانه و تکرارناپذیر را هدر دهند. این یک دغدغه و دل مشغولی مقدس است؛ زیرا نشان دهنده بیداری و هوشیاری انسان و توجه وی به ارزش زندگی و آگاهی از زیانی است که یک زندگی بی هدف را تهدید می کند.

غفلت و بی توجهی به این سؤال ها آثار و عواقب زیانباری دارد که روزی گریبان انسان را خواهد گرفت، روزی که دیگر کاری از او ساخته نیست و زمان جبران سپری شده است.

کاروان رفت و تو در خواب و بیابان در پیش
کی روی، ره ز که پرسی، چه کنی، چون باشی؟^۱

۱- دیوان شمس، مولوی.

۲- حافظ.

مکاتب فکری مختلف از ابتدای تاریخ تا کنون، به این سؤال‌ها پاسخ‌هایی داده‌اند و امروزه نیز بیش از گذشته بازار این پاسخ‌ها داغ است، به همین جهت هم، سرگردانی انسان امروز از گذشته بیشتر شده است.^۱

پاسخ به سؤال‌های اساسی باید حداقل دو ویژگی داشته باشد:

الف) کاملاً درست و قابل اعتماد باشد؛ زیرا هر پاسخ احتمالی و مشکوک نیازمند تجربه و آزمون است، در حالی که عمر محدود آدمی برای چنین تجربه‌ای کافی نیست، به خصوص که راه‌های پیشنهادی هم بسیار زیاد و گوناگون‌اند.

ب) همه‌جانبه باشد؛ به طوری که به نیازهای مختلف انسان به صورت هماهنگ پاسخ دهد؛ زیرا ابعاد جسمی و روحی، فردی و اجتماعی و دنیوی و اخروی وی، پیوند و ارتباط کامل و تنگاتنگی با هم دارند و نمی‌توان برای هر بُعدی جداگانه برنامه‌ریزی کرد.

با توجه به این دو ویژگی کسی می‌تواند پاسخ صحیح این سؤال‌ها را بدهد که:

۱- آگاهی کاملی از خلقت انسان، جایگاه او در نظام هستی، ابعاد دقیق و ظریف روحی و جسمی و نیز فردی و اجتماعی او داشته باشد.

۲- همچنین بداند که انسان‌ها، پس از مرگ، چه سرنوشتی دارند و دقیقاً چه عاقبتی در انتظار آنهاست.

فعالیت کلاسی

با توجه به توضیحات، بررسی کنید که

الف) آیا عقل انسان به تنهایی می‌تواند به این سؤال‌های اساسی پاسخ کامل و جامع دهد؟ چرا؟

ب) آیا انسان به تنهایی می‌تواند مسیر سعادت را طراحی کند؟ چرا؟

فیلم: توانایی‌های عقل من تاجه اندازه است؟ 

شیوه هدایت خداوند

حقیقت این است که انسان به تنهایی قادر به پاسخگویی به نیازهای برتر خود نیست؛ اکنون این سؤال مطرح می‌شود که آیا خداوندی که در دستگاه عظیم خلقت به نیازهای طبیعی و غریزی انسان پاسخ داده، انسان را در وادی نیازهای برتر و متعالی سرگردان رها کرده است؟ یا او را در این زمینه نیز راهنمایی و هدایت نموده است؟

خدای جهان، آفریدگاری حکیم است؛ نه تنها انسان، بلکه هیچ مخلوقی را بدون هدایت رها نکرده

۱- برای آشنایی با برخی مکتب‌ها که براساس دانش بشری به این سؤالات پاسخ داده‌اند و نتایج ناگواری در زندگی انسان‌ها داشته‌اند، به سایت گروه قرآن و معارف بخش «دانش تکمیلی» به آدرس <http://quran-dept.talif.sch.ir> مراجعه کنید.

توجه: مطالب بخش «دانش تکمیلی» صرفاً جهت توسعه اطلاعات دانش‌آموزان علاقه‌مند بوده و در آزمون‌های پایانی و یا آزمون‌های سراسری سؤالی از آن طراحی نخواهد شد.

است. او هر مخلوقی را برای هدفی معین خلق می‌کند و برای رسیدن به آن هدف، او را هدایت و راهنمایی می‌فرماید. پس هدایت، یک اصل عام و همگانی در نظام خلقت است.

... قَالَ رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى
كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ
ثُمَّ هَدَىٰ
سپس [او را] هدایت کرده است.
پروردگار ما همان کسی است که
آفرینش هر چیزی را به او بخشیده،

خداوند همه مخلوقات را هدایت می‌کند، اما شیوه هدایت مخلوقات با یکدیگر متفاوت است. خداوند هر دسته از مخلوقات را، متناسب با ویژگی‌هایی که در وجودشان قرار داده هدایت می‌کند.^۱ انسان نیز که سرمایه‌های ویژه خود را دارد، شیوه هدایت مخصوص خود را داراست. یکی از این سرمایه‌ها، توانایی تعقل و تفکر و سرمایه دیگر قدرت اختیار و انتخاب اوست؛ انسان، ابتدا درباره هر کاری تفکر می‌کند، اگر تشخیص داد آن کار مفید است و او را به هدفش می‌رساند، آن را انتخاب می‌کند و انجام می‌دهد.

هدایت خداوند نیز از مسیر این دو ویژگی می‌گذرد؛ یعنی خداوند برنامه هدایت انسان را از طریق پیامبران می‌فرستد؛ این برنامه که دربرگیرنده پاسخ به سؤالات بنیادین است، توسط رسولان به مردم ابلاغ می‌شود تا انسان با تفکر در این برنامه و پی بردن به ویژگی‌ها و امتیازات آن با اختیار خود، این برنامه را انتخاب کند و در زندگی به کار بندد و به هدفی که خداوند در خلقت او قرار داده است برسد. انسان با عقل خود در پیام الهی تفکر می‌کند و با کسب معرفت و تشخیص بایدها و نبایدها، راه صحیح زندگی را می‌یابد و پیش می‌رود.

امام کاظم علیه السلام به شاگرد برجسته خود، هشام بن حکم فرمود :

«ای هشام، خداوند رسولانش را به سوی بندگان نفرستاد، جز برای آنکه بندگان در پیام الهی تعقل کنند. کسانی این پیام را بهتر می‌پذیرند که از معرفت برتری برخوردار باشند و آنان که در تعقل و تفکر برترند، نسبت به فرمان‌های الهی داناترند و آن کس که عقلش کامل تر است، رتبه‌اش در دنیا و آخرت بالاتر است».^۲ بنابراین با کنار هم قرار گرفتن عقل و وحی می‌توان به پاسخ سؤال‌های اساسی دست یافت. البته انسان به علت دارا بودن اختیار می‌تواند راه‌های دیگری را نیز برگزیند. اما چنان که گفته شد، چون هر

۱- سوره طه، آیه ۵۰.

۲- به طور مثال، زینور غسل که ساختمان بدنی ویژه‌ای دارد و برای تولید غسل باید مکان مخصوصی تهیه کند، خداوند او را هدایت می‌کند تا آن کندوی مخصوص را بسازد (سوره نحل، آیه ۶۸).

۳- اصول کافی، کلینی، ج ۱، ص ۱۹.

برنامه دیگری غیر از برنامه خداوند نمی تواند پاسخ درستی به آن نیازها بدهد، انسان زبان خواهد کرد و با دست خالی به دیار آخرت خواهد شتافت و در آنجا زبان خود را مشاهده خواهد کرد.

تکمیل کنید

اگر خداوند به سؤال های اساسی انسان پاسخ ندهد و او را رها کند، انسان در قیامت می تواند بگوید :

.....

خداوند، در قرآن کریم درباره تمام و کامل شدن حجت الهی با فرستادن انبیا فرموده است :

رُسُلًا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ^۱ ...

رسولانی [را فرستاد که] بشارت دهنده و اندازکننده باشند، تا بعد از آمدن پیامبران، برای مردم

در مقابل خداوند، دستاویز و دلیلی نباشد

خداوند با راه را بسته است و حجت را بر

بندگان تمام کرده است.

پاسخ سوالات شما^۲

شاید این سؤال پیش بیاید که : انسان امروزی چقدر به دین و پیام آسمانی نیازمند است؟ به عبارت دیگر : آیا آن نیازهایی که انسان های گذشته را به سوی خدا و دین الهی می کشاند، همچنان پابرجاست؟

با نگاهی به سرنوشت انسان معاصر و شرایط کنونی او، درمی یابیم که نه تنها آن نیازهای بنیادین قوی تر و جدی تر از گذشته پابرجاست، بلکه اگر انسان امروز به خدا و پیام الهی روی نیاورد، سرنوشت خطرناکی در انتظار اوست.

در قرن های هفدهم، هجدهم و نوزدهم که علوم تجربی در غرب پیشرفت کرد، چنین تصور می شد که می توان با کمک این علوم به نیازهای برتر انسان پاسخ گفت. اما هر قدر که علم پیش می رفت، انسان احساس می کرد که نیازهای بنیادینش همچنان بی پاسخ مانده است. انسان امروزی می بیند که آرامش درونی اش کاهش یافته، هدف متعالی زندگی وی گم شده، ظلم و بی عدالتی گسترش یافته، دانش و تکنولوژی در خدمت اهداف ضد انسانی صاحبان زر و زور قرار گرفته، جهان به دو قطب محروم (با جمعیتی بسیار زیاد) و ثروتمند (با جمعیتی اندک) تقسیم شده است، سلاح های مخرب با قدرت

۱- سورة نساء، آیه ۱۶۵.

۲- این قسمت صرفاً جهت توسعه اطلاعات دانش آموز است و در امتحانات پایانی و آزمون های ورودی دانشگاه سوالی از آن طرح نمی شود.

تخریبی فوق‌العاده جان انسان‌های مظلوم و بی‌دفاع را به راحتی می‌گیرد، انواع مواد مخدر در شکل‌های مختلف در دسترس افراد قرار گرفته، فسادهای گوناگون اخلاقی رواج یافته و استفاده ابزاری از زن، ارزش انسانی زنان را تنزل داده است.

اگر از ظاهر ترین شده زندگی انسان امروز عبور کنیم و به واقعیت درونی آن برسیم، رنج بزرگ او را مشاهده می‌کنیم. انسان امروزی دریافته است که علم با همه فایده‌ها و خوبی‌هایش، به تنهایی نمی‌تواند او را از بحران‌های بزرگ‌رهای بخشد و به نیازهای اساسی‌اش پاسخی مناسب دهد. همین امر، انسان را برانگیخته است تا بار دیگر به خدا و دین روی آورد و رهایی از سرگردانی را در بازگشت به دین جست‌وجو کند. در نتیجه، انسان امروزی بیش از گذشته به پیام الهی احساس نیاز می‌کند. خوب است بدانیم که اکنون ترجمه قرآن کریم به زبان انگلیسی از پرفرودارترین کتاب‌هاست و شمار کسانی که در اروپا به دین اسلام می‌گروند، بیش از سایر ادیان است.^۱

اندیشه و تحقیق

۱- آیا انسان می‌تواند پاسخ دادن به نیازهای برتر را نادیده بگیرد و براساس ضرب‌المثل «هرچه پیش آید، خوش آید» رفتار کند؟ چرا؟

۲- آیا می‌توانیم پاسخ به نیازهای برتر را به احساسات شخصی و سلیقه فردی واگذار کنیم؟ چرا؟

۳- قرآن کریم خطاب به پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «همانا ما این کتاب را به حق برای مردم بر تو نازل کردیم. پس هر که هدایت یافت، خودش سود کرده و هر که گمراه شد، تنها به زیان خود عمل کرده است و تو وکیل و مدافع آنها نیستی».^۲ این آیه به کدام یک از مفاهیم درس اشاره دارد؟

۴- شعر زیر با کدام یک از نیازهای برتر انسان مرتبط است؟ چرا؟

مرد خرومند هنر پیشه^۳ را عمر و بایست در این روزگار
تا به یکی تجربه آموختن با وکری تجربه بدون به کار^۴

۱- www.yjc.ir/fa/news/4405531


۲- سورة زمر، آیه ۴۱.





۳- هنرپیشه: کاردان و با فرهنگ.

۴- سعدی.



وَ إِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْتُكُمْ مِنْ
كِتَابٍ وَ حِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَكُمْ
لْتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَ لَتَنْصُرُنَّهُ قَالَ ءَ أَقَرَّرْتُمْ وَ أَخَذْتُمْ
عَلَىٰ ذَلِكُمْ إِصْرِي قَالُوا أَقَرَّرْنَا ۚ قَالَ فَاشْهَدُوا وَ
أَنَا مَعَكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ ﴿٨١﴾ فَمَنْ تَوَلَّىٰ بَعْدَ ذَلِكَ
فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ ﴿٨٢﴾ أَفَغَيَّرَ دِينَ اللَّهِ يَبْغُونَ
وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمُوتِ وَ الْأَرْضِ طَوْعًا وَ
كَرْهًا وَ إِلَيْهِ يُرْجَعُونَ ﴿٨٣﴾ قُلْ آمَنَّا بِاللَّهِ وَ مَا
أُنْزِلَ عَلَيْنَا وَ مَا أُنْزِلَ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ
وَ إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ وَ الْأَسْبَاطِ وَ مَا أُوتِيَ مُوسَىٰ
وَ عِيسَىٰ وَ النَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ ۚ لَا نُفَرِّقُ
بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَ نَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ ﴿٨٤﴾
وَ مَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ
مِنْهُ وَ هُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ ﴿٨٥﴾

و [به یاد آرید] هنگامی که خداوند از پیامبران [و پیروان آنها] پیمان گرفت که هر گاه به شما کتاب و حکمت دادم سپس [در آینده] فرستاده‌ای برای شما آمد که آنچه را در نزد شماست تصدیق نمود، حتماً باید به او ایمان آورید و او را یاری دهید. آن‌گاه [به پیامبران] فرمود: آیا اقرار کردید و در این باره پیمان مرا پذیرفتید؟ گفتند: آری، اقرار کردیم. فرمود: پس گواه و شاهد باشید و من نیز با شما از شاهدانم. 

پس کسانی که بعد از این روی برتابند، آنان فاسقان اند. 
 آیا غیر از دین خدا می‌جویند؟ و همه کسانی که در آسمان‌ها و زمین اند، خواه و ناخواه در برابر او تسلیم‌اند. و همه به سوی او بازگردانده می‌شوند. 
 [ای پیامبر،] بگو: من و پیروانم به خدا و آنچه بر ما نازل شده و آنچه بر ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و اسباط [پیامبرانی از نسل یعقوب] فرو فرستاده شده، و آنچه به موسی و عیسی و دیگر پیامبران از جانب پروردگارشان عطا شده است ایمان آورده‌ایم و میان هیچ یک از پیامبران فرقی نمی‌گذاریم و ما تسلیم و فرمانبردار خداایم. 
 و هر کس دینی جز اسلام اختیار کند، هرگز از او پذیرفته نخواهد شد و در آخرت از زیانکاران خواهد بود. 



درس دوم

تداوم هدایت



خداوند با لطف و رحمت خود، ما انسان‌ها را تنها نگذاشت و هدایت ما را بر عهده گرفت و راهی را در اختیارمان قرار داد، که همان راه مستقیم خوشبختی است.

در این درس می‌خواهیم به این سؤال پردازیم که:

آیا خداوند یک راه و یک دین برای ما فرستاده، یا راه‌ها و ادیان متعددی در اختیارمان قرار داده است؟

به ترجمه آیات توجه کنید :

۱- «خداوند از دین، همان را برایتان بیان کرد که نوح را بدان سفارش نمود. و آنچه را ما به تو وحی کردیم و به ابراهیم و موسی و عیسی توصیه نمودیم، این بود که دین را به پا دارید، و در آن تفرقه نکنید.»^۱

۲- «قطعاً دین نزد خداوند، اسلام است و اهل کتاب در آن، راه مخالفت نیمودند مگر پس از آنکه به حقانیت آن آگاه شدند، آن هم به دلیل رشک و حسدی که میان آنان وجود داشت.»^۲

۳- «[این دین] آیین پدرتان ابراهیم است و او شما را از پیش مسلمان نامید.»^۳

۴- «ابراهیم نه یهودی بود و نه مسیحی؛ بلکه یکتاپرست (حق‌گرا) و مسلمان بود.»^۴

اکنون به این سؤالات پاسخ دهید :

الف) خداوند از پیامبران می‌خواهد تا در چه چیز تفرقه نکنند؟

.....

ب) دین مورد قبول نزد خداوند کدام است؟

ج) اهل کتاب (یهودیان و مسیحیان) درباره چه چیز اختلاف کردند؟ علت اختلاف آنها چه بود؟

.....

د) حضرت ابراهیم علیه السلام چه آیینی داشت؟

هـ) مسیحیان و یهودیان او را پیرو چه آیینی می‌دانستند؟

.....

دین به معنای «راه» و «روش» است. دین اسلام، راه و روشی است که خداوند برای زندگی انسان‌ها برگزیده است. بر اساس آیات قرآن کریم، خداوند یک دین برای انسان‌ها فرستاده و به همه پیامبران فرمان داده است، تا همان دین را در میان مردم تبلیغ کنند و راه تفرقه در پیش نگیرند. انبیا هم این فرمان را اطاعت کرده و مأموریت خود را با شایستگی انجام داده‌اند.

حال شایسته است بدانیم :

۱- چرا خداوند فقط یک دین برای هدایت بشر فرستاده است؟

۲- با وجود یکی بودن دین، چرا خداوند، پیامبران متعدد فرستاده است؟

۳- چرا امروزه ادیان مختلفی در جهان وجود دارد؟

۲- سورة آل عمران، آیه ۱۹.

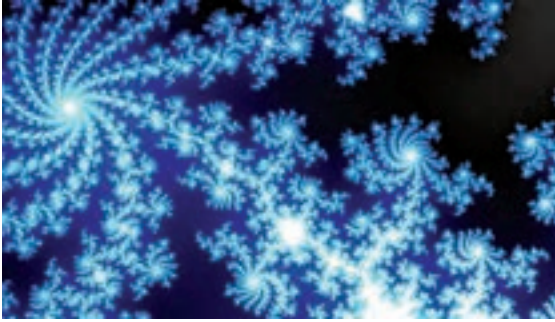
۱- سورة شوری، آیه ۱۳.

۴- سورة آل عمران، آیه ۶۷.

۳- سورة حج، آیه ۷۸.

فطرت مشترک، منشأ دین واحد

فیلم (۱): فطرت چیست؟



فطرت به معنای نوع خاص آفرینش است. وقتی از فطرت انسان سخن می‌گوییم، منظور آفرینش خاص انسان و ویژگی‌هایی است که خداوند در اصل آفرینش وی قرار داده است و انسان‌ها با این ویژگی‌های خاص شناخته می‌شوند. از ابتدای آفرینش انسان تاکنون، اقوام

مختلفی روی زمین زندگی کرده‌اند؛ این افراد با اینکه در برخی خصوصیات، مانند نژاد، زبان و آداب و رسوم با یکدیگر تفاوت‌هایی دارند، ولی همگان ویژگی‌های فطری مشترکی دارند. به طور مثال، همه انسان‌ها:

✿ از سرمایه تفکر و قدرت اختیار برخوردارند.

✿ فضیلت‌های اخلاقی مانند عدالت و خیرخواهی را دوست دارند و از رذائل اخلاقی مانند ظلم و دروغ بیزارند.

✿ به دنبال زیبایی‌ها، خوبی‌ها و کمالات نامحدودند.

✿ از فنا و نابودی گریزان و در جست‌وجوی زندگی جاودانه هستند.

✿ کنج‌کاو و جست‌وجوگر به دنیا می‌آیند و از شناخت حقایق لذت می‌برند و دانایان را بر نادان‌ها ترجیح می‌دهند.

به سبب این ویژگی‌های مشترک (فطرت)، خداوند یک برنامه کلی به انسان‌ها ارزانی داشته، تا آنان را به هدف مشترکی که در خلقتشان قرار داده است، برساند. همان‌طور که گفته شد، این برنامه اسلام نام دارد که به معنای تسلیم بودن در برابر خداوند است.

در این برنامه از انسان خواسته می‌شود تا با اندیشه در خود و جهان هستی، به ایمان قلبی دست یابد. ایمان به:

- خدای یگانه و دوری از شرک
- فرستادگان الهی و راهنمایان دین
- سرای آخرت، و پاداش و حسابرسی عادلانه
- عادلانه بودن نظام هستی

و در عرصه عمل نیز، از انسان می‌خواهند با ایمانی که کسب کرده است، تلاش نماید تا :

- با انجام واجبات دین و ترک حرام‌های آن، خداوند را عبادت و بندگی کند.
- فضایل اخلاقی مانند عفت، راستگویی و امانت‌داری را کسب نماید و از رذائل اخلاقی، مانند ظلم، نفاق، دروغ و ریا دوری کند.
- جامعه‌ای دینی بر اساس عدالت بنا نماید.

همه پیامبران الهی مردم را به این امور فراخوانده‌اند. به همین دلیل، محتوای اصلی دعوت پیامبران یکسان است. در واقع همه آنها یک دین آورده‌اند. با این وجود، تعالیم انبیا در برخی احکام فرعی، متناسب با زمان و سطح آگاهی مردم و نیازهای هر دوره تفاوت‌هایی با یکدیگر داشته است؛ مثلاً همه پیامبران، امت‌های خود را به نماز دعوت کرده‌اند، اما در شکل و تعداد آن تفاوت‌هایی بوده است؛ البته این قبیل تفاوت‌ها سبب تفاوت در اصل دین نشده است.

علل فرستادن پیامبران متعدد

در پاسخ به سؤال دوم می‌توان گفت فرستادن پیامبران متعدّد به این دلایل بوده است :

الف) استمرار و پیوستگی در دعوت : لازمه ماندگاری یک پیام، تبلیغ دائمی و مستمرّ آن است. پیامبران الهی با ایمان استوار و تلاش‌بی‌مانند، در طول زمان‌های مختلف، دین الهی را تبلیغ می‌کردند. آنان سختی‌ها را تحمل می‌کردند تا خداپرستی، عدالت‌طلبی و کرامت‌های اخلاقی میان انسان‌ها جاودان بماند و گسترش یابد و شرک، ظلم و رذائل اخلاقی از بین برود. این تداوم سبب شد، تا تعالیم الهی جزء سبک زندگی و آداب و فرهنگ مردم شود و دشمنان دین نتوانند آن را به راحتی کنار بگذارند.

ب) رشد تدریجی سطح فکر مردم : علت دیگر فرستادن پیامبران متعدد، رشد تدریجی فکر و اندیشه و امور مربوط به آن، مانند دانش و فرهنگ می‌باشد.

از این رو، لازم بود تا در هر عصر و دوره‌ای پیامبران جدیدی مبعوث شوند، تا همان اصول ثابت دین الهی را در خور فهم و اندیشه انسان‌های دوران خود بیان کنند و متناسب با درک آنان سخن گویند. در حقیقت، هر پیامبری که مبعوث می‌شد، درباره توحید، معاد، عدالت، عبادت خداوند و مانند آن سخن گفته، اما بیان او در سطح فهم و درک مردم زمان خود بوده است.

پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید :

إِنَّا مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ أُمَرَا

أَنْ نُكَلِّمَ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ

ما پیامبران مأمور شده‌ایم

که با مردم به اندازه عقلشان سخن بگوییم

ج) تحریف تعلیمات پیامبر پیشین: به علت ابتدایی بودن سطح فرهنگ و زندگی اجتماعی و عدم توسعه کتابت، تعلیمات انبیا به تدریج فراموش می‌شد، یا به گونه‌ای تغییر می‌یافت که با اصل آن متفاوت می‌شد؛ بر این اساس، پیامبران بعدی می‌آمدند و تعلیمات اصیل و صحیح را بار دیگر به مردم ابلاغ می‌کردند.

فیلم (۲): نمونه‌هایی از تحریفات صورت گرفته در انجیل از زبان یک تازه مسلمان



بیشتر بدانیم

نگاهی به تورات و انجیل و تحریفات آنها

شما احتمالاً نام کتاب مقدس را شنیده‌اید. این کتاب مشتمل بر دو قسمت عهد عتیق (تورات و چند بخش دیگر) و عهد جدید (انجیل) است. و به همین دلیل به عهدین معروف است. عهد عتیق فقط کتاب مقدس یهودیان است ولی مسیحیان تورات و انجیل را با هم به عنوان کتاب مقدس قبول دارند. وجود تعلیمات متناقض با عقل و علم نشان می‌دهد بخش‌های زیادی از عهدین تحریف شده است.

یهودیان، توراتی را که از حضرت موسی (علیه السلام) باقی مانده است، در تابوت مقدس نگهداری می‌کردند اما در سال ۵۸۶ قبل از میلاد مسیح، این تابوت و تورات داخل آن در حمله بخت‌النصر نابود شد. یهودیان در سال ۴۷۵ قبل از میلاد مجدداً تورات را جمع‌آوری کردند. یعنی ۱۱۱ سال خبری از تورات نبود و همین امر وقوع تحریف را ممکن ساخت.

درباره کتاب انجیل نیز خود مورخان غربی نوشته‌اند که پس از عروج حضرت عیسی (علیه السلام)، هیچ اثری از کتاب انجیل میان مردم نبود. پس از گذشت مدتی، هریک از یاران حضرت عیسی (علیه السلام) یا شاگردان آنها برداشت‌ها و خاطرات خود را از آن حضرت نوشتند و نام انجیل بر آن نهادند، به گونه‌ای که ده‌ها انجیل تألیف شد. تا اینکه حدود دو قرن بعد، شورای مرکزی مسیحیان تصمیم گرفت تنها چهار انجیل را تأیید کند و اجازه نشر و گسترش سایر انجیل‌ها را ندهد.^۱

به نمونه‌هایی از تحریفات صورت گرفته در کتاب مقدس توجه کنید:

۱- و ما از همه حیوانات صحرا که خداوند خدا ساخته بود، هشیارتر بود. به زن [حوا] گفت: آیا خدا حقیقتاً گفته است که از همه درختان باغ نخورید؟

۱- برای مطالعه بیشتر در این خصوص، به مقدمه آقای جمشید غلامی نهاد بر کتاب «انجیل برنابا» نشر نیایش مراجعه کنید.

زن به مار گفت : از میوه درختان باغ می‌خوریم، لکن از میوه درختی که در وسط باغ است، خدا گفت از آن مخورید و آن را لمس نکنید، مبادا بمیرید.

مار به زن گفت : هر آینه نخواهید مرد، بلکه خدا می‌داند در روزی که از آن بخورید، چشمان شما باز شود و مانند خدا عارف نیک و بد خواهید بود.

کتاب مقدس، عهد عتیق، سفر پیدایش، باب ۳ : ۱-۵

و خداوند گفت : همانا انسان مثل یکی از ما شده است، که عارف نیک و بد گردیده. اینک مبادا دست خود را دراز کند و از درخت حیات نیز گرفته بخورد، و تا به ابد زنده بماند.

پس خداوند آدم را بیرون کرد و در طرف شرقی باغ عدن، فرشتگان را قرار داد و شمشیر آتشبازی را که به هر سو گردش می‌کرد تا از درخت حیات محافظت کند.

کتاب مقدس، عهد عتیق، سفر پیدایش، باب ۳ : ۲۴-۲۲

۲- و یعقوب تنها ماند و فردی [خدا] با وی تا طلوع فجر کشتی می‌گرفت.

و چون او دید نمی‌تواند بروی [یعقوب] غلبه کند، کف پای یعقوب را فشرد، و کف پای یعقوب در کشتی گرفتن با او فشرده شد.

پس او [خدا] گفت : «مارها کن زیرا که فجر می‌شکافد. [یعقوب] گفت : تا مرا خیر و برکت ندهی، تو را رها نکنم.

او گفت : نام تو چیست؟ گفت : «یعقوب».

گفت : از این پس نام تو یعقوب خوانده نشود بلکه اسرائیل خوانده شود، زیرا که با خدا مبارزه کردی و نصرت یافتی!...

و یعقوب آن مکان را «فَنِیئیل» نامیده، گفت : زیرا در این مکان خدا را روبه‌رو دیدم و جانم رستگار شد.

کتاب مقدس، عهد عتیق، سفر پیدایش، باب ۳۲ : ۳۰-۲۴

۳- و [آدم و حوا] صدای خدا را که در حال راه رفتن در باغ بود، شنیدند و آدم و زنش خویشتن را از حضور خداوند در میان درختان باغ پنهان کردند.

و خداوند آدم را ندا داد و گفت : کجا هستی؟

گفت : چون آوازت را در باغ شنیدم، ترسان گشتم، زیرا که عربانم. پس خود را پنهان کردم.
کتاب مقدس، عهد عتیق، سفر پیدایش، باب ۳ : ۱۰ — ۸

۴ — خدا جهان را این قدر محبت نمود که پسر یگانه خود را [حضرت عیسی] داد تا هر که به او ایمان آورد، هلاک نگردد بلکه حیات جاودانی یابد.
زیرا خدا پسر خود را در جهان نفرستاد تا بر جهان داوری کند، بلکه تا به وسیله او جهان نجات یابد.

کتاب مقدس، عهد جدید، انجیل یوحنا، باب ۳ : ۱۶

علل وجود ادیان مختلف

حال به پاسخ سؤال سوم می پردازیم که چرا در جهان ادیان متعددی وجود دارد؟
تفکر در آیات قرآن کریم و مطالعه تاریخ انبیای الهی نشان می دهد هر پیامبر جدیدی که از طرف خداوند مبعوث می شد، نه تنها پیامبران گذشته را انکار و رد نمی کرد، بلکه آنها را تصدیق و خود را ادامه دهنده راه آنان معرفی می کرد. پیامبر جدید از مردم می خواست به دستور خداوند از او پیروی کنند و یاری اش دهند.

پیامبر اکرم ﷺ نیز که در سلسله انبیا قرار داشت، از همین روش پیروی کرده است. در قرآن کریم چنین می خوانیم :

وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ^۱

جز این نیست که محمد پیامبری است که پیش از او پیامبرانی دیگر بوده اند.

إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ كَمَا أَوْحَيْنَا إِلَى نُوحٍ وَالتَّيِّبِينَ مِنْ بَعْدِهِ^۲

ما همچنان که به نوح و پیامبران بعد از او وحی کردیم، به تو [نیز] وحی کردیم.

پیامبر اکرم ﷺ نیز خود را ادامه دهنده راه همه انبیا و تمام کننده کار آنان معرفی کرد و از یهودیان و مسیحیان خواست تا به ایشان ایمان آورند. با وجود آنکه وعده آمدن ایشان در تورات و انجیل داده شده بود، برخی از بزرگان یهودی و مسیحی، رسالت پیامبر رحمت را انکار کردند و حتی به مبارزه علیه ایشان برخاستند.

۱ — سورة آل عمران، آیه ۱۴۴.

۲ — سورة نساء، آیه ۱۶۳.

با اینکه تورات و انجیل‌های امروزی با آنچه خداوند به عنوان کتاب آسمانی فرستاده بود تفاوت‌های بسیاری دارد و سعی شده تا هر جا که به صورت مستقیم بشارتی به آمدن حضرت محمد ﷺ داده شده است، حذف یا تحریف شود؛ اما هنوز آثاری از این بشارت‌ها در این دو کتاب باقی است. اگر دوست دارید با برخی از این بشارت‌ها آشنا شوید به بخش «دانش تکمیلی» سایت گروه قرآن و معارف مراجعه کنید. آدرس <http://quran-dept.talif.sch.ir>

قرآن کریم منشأ اصلی اختلافات و چند دینی را از ناحیه آن دسته رهبران دینی می‌داند که به خاطر حفظ منافع دنیوی (ثروت و قدرت)، پیامبر جدید را انکار می‌کردند و منشأ اصلی اختلاف در ادیان الهی می‌شدند. این دلیل درباره ادیانی است که منشأ اصلی آنها الهی است. امروزه ادیانی وجود دارند که کاملاً به دست انسان‌ها ساخته شده‌اند و جنبه الهی ندارند. برخی از سازندگان این ادیان، خود را به دروغ پیامبر معرفی کرده‌اند و برخی نیز خود را از جانب خدا نمی‌دانند، بلکه آنچه به فکرشان رسیده، در قالب یک دین به مردم عرضه کرده‌اند.

پاسخ سؤالات شما

برخی این سؤال را می‌پرسند که اگر خداوند پیامبران را برای هدایت تمامی انسان‌ها فرستاده است پس چرا همه پیامبران در منطقه غرب آسیا و بین‌النهرین مبعوث شده‌اند و ما پیامبری که در آفریقا یا اروپا مبعوث شده باشد، نداریم؟

در پاسخ باید گفت: ادعای بعثت همه پیامبران در این منطقه ادعای درستی نیست؛ زیرا:

۱- بنابر فرمایش خداوند در قرآن کریم هیچ امتی در گذشته نبوده مگر اینکه برای آن امت هشداردهنده، راهنما و پیامبری فرستاده شده است، این آیات به صراحت اعلام می‌کنند که همه اقوام و ملت‌ها از نعمت نبوت و هدایت الهی برخوردار بوده‌اند. برخی از این آیات عبارت‌اند از:

■ ...وَإِنْ مِنْ أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا فِيهَا نَذِيرٌ^۱ .. و هر امتی در گذشته اندازکننده‌ای داشته است.

■ وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ^۲ .. ما در هر امتی

رسولی برانگیختیم تا خدای یکتا را بپرستید و از طاغوت اجتناب کنید...

۱- سورة فاطر، آیه ۲۴.

۲- سورة نحل، آیه ۳۶.

■ إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ^۱ ... جز این نیست که تو بیم‌دهنده‌ای و هر قومی را هدایتگری است.

۲- در قرآن کریم، به این نکته تصریح شده که نام بسیاری از پیامبران در این کتاب شریف نیامده است.^۲

یکصد و بیست و چهار هزار پیامبر از سوی خداوند مبعوث شده‌اند که تنها حدود ۳۰ نفر از آنها در قرآن نام برده شده است؛ اگر قرار بود فقط نام پیامبران در قرآن ذکر شود تصور کنید که حجم قرآن چقدر می‌شد! از همین جهت، ما اسامی بسیاری از پیامبران مناطق آسیای شرقی، اروپا، امریکا و آفریقا را در دست نداریم و تنها می‌توانیم به ویژگی‌های ایشان نظیر عصمت و وحی و مانند آن اشاره کنیم.

چکیده سخن اینکه، نمی‌توان وجود پیامبران را به منطقه خاورمیانه محدود دانست؛ بلکه همان‌گونه که بیان شد، هیچ قومی بر روی زمین از هدایت پیامبران محروم نبوده است.

۱- سورة رعد، آیه ۷.

۲- سورة غافر، آیه ۷۸ و سورة نساء، آیه ۱۶۴.



الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ
 أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ ۚ وَكَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا ﴿٣٩﴾ مَا كَانَ
 مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلَكِن رَّسُولَ
 اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ ۖ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا
 ﴿٤٠﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا
 ﴿٤١﴾ وَسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا ﴿٤٢﴾ هُوَ الَّذِي
 يُصَلِّي عَلَيْكُمْ وَمَلَائِكَتُهُ لِيُخْرِجَكُم مِّنَ
 الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ ۚ وَكَانَ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا
 ﴿٤٣﴾ تَحِيَّتُهُمْ يَوْمَ يَلْقَوْنَهُ سَلَامٌ ۚ وَأَعَدَّ لَهُمْ أَجْرًا
 كَرِيمًا ﴿٤٤﴾ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَ
 مُبَشِّرًا وَنَذِيرًا ﴿٤٥﴾ وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَسِرَاجًا
 مُنِيرًا ﴿٤٦﴾ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ بِأَنَّ لَهُم مِّنَ اللَّهِ فَضْلًا
 كَبِيرًا ﴿٤٧﴾ وَلَا تُطِيعِ الْكُفْرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ وَدَعْ
 أَذَاهُمْ وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ ۚ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا ﴿٤٨﴾

[پیامبران گذشته] همان کسانی‌اند که رسالت‌ها و پیام‌های خدا را [به مردم] می‌رسانند و از او خشیت دارند و از احدی جز او بیم ندارند، و خدا برای حسابرسی کفایت می‌کند. ﴿۳۹﴾

محمد ﷺ پدر هیچ‌یک از مردان شما نیست، بلکه فرستادهٔ خدا و پایان‌بخش پیامبران است و خدا به هر چیزی داناست. ﴿۴۰﴾

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خدا را بسیار یاد کنید. ﴿۴۱﴾
و بامدادان و عصرگاهان تسبیح او گوید. ﴿۴۲﴾

اوست آنکه با فرشتگان خود بر شما درود می‌فرستد تا شما را از تاریکی‌ها [ی غفلت] به روشنایی [یاد خویش] به درآورد و او نسبت به مؤمنان همواره مهربان است. ﴿۴۳﴾

روزی که آنان [مؤمنان] به لقای خدا می‌رسند، درودی که تبارشان می‌شود «سلام» است [که نویددهندهٔ سلامت و امنیت است] و خداوند برای آنان پاداشی ارزشمند و گرامی فراهم ساخته است. ﴿۴۴﴾

ای پیامبر، ما تو را گواه و بشارتگر و هشداردهنده فرستادیم. ﴿۴۵﴾
و نیز دعوت‌کنندهٔ مردم به سوی خدا، به فرمان او و چراغی تابان. ﴿۴۶﴾
و به مؤمنان بشارت ده که برای آنان از جانب خداوند، بخششی بزرگ است. ﴿۴۷﴾
و از کافران و منافقان [در هیچ پیشنهادی] اطاعت مکن، و به آزارشان بی‌اعتنا باش و به خدا توکل کن که خداوند برای کارسازی کافی است. ﴿۴۸﴾

خداوند در قرآن کریم، پیامبر اکرم ﷺ را «خاتم النبیین»^۱ معرفی می کند.

وَلَكِنْ رَسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ^۲ بلکه [او] فرستاده خدا و پایان بخش پیامبران است.

پیامبر اکرم ﷺ نیز در اجتماعات مختلف، خود را به عنوان آخرین پیامبر الهی معرفی می کرد^۳ تا پس از ایشان، کسی ادعای پیامبری نکند، یا اگر ادعا کرد، مردم فریب او را نخورند و بدانند که او پیامبر واقعی نیست.

در این درس، می خواهیم سؤالات زیر را بررسی کنیم :

چه عواملی سبب شد تا نیازی به آمدن پیامبر جدید نباشد؟

با آمدن آخرین پیامبر، وظیفه کسانی که پیرو پیامبران پیشین بوده اند، چیست؟

۱- «خاتم» در لغت به معنای نگین انگشتری است. نگین علاوه بر زیبایی، در حقیقت مُهر بزرگان نیز محسوب می شد و هرگاه که می خواستند پایان نامه یا سندی را امضا کنند، مُهر را در پایان آن می زدند و نامه را با آن به پایان می رساندند. بدین جهت، رسول خدا که آخرین فرستاده و پایان بخش پیامبران است، «خاتم النبیین» نامیده شده است.

۲- سوره احزاب، آیه ۴۰.

۳- نمونه آن، حدیث منزلت است که در درس های بعد با آن آشنا می شوید.

عوامل ختم نبوت

از آنجا که خداوند پیامبران را می‌فرستد، و اوست که نیاز یا عدم نیاز به پیامبر را در هر زمان تشخیص می‌دهد، تعیین زمان ختم نبوت نیز با خداست؛ زیرا اوست که دقیقاً می‌داند عوامل ختم نبوت فراهم شده، یا نه. مثلاً یکی از عوامل بی‌نیازی از آمدن پیامبر جدید، حفظ کتاب آسمانی از تحریف و وجود آن در میان مردم است. اما تشخیص اینکه در چه زمانی مردم به مرحله‌ای می‌رسند که می‌توانند کتاب آسمانی خود را حفظ کنند، در توانایی انسان نیست و فقط خداوند از چنین علمی برخوردار است. بنابراین، با توجه به اعلام ختم نبوت در زمان حضرت محمد ﷺ، در می‌یابیم که عوامل بی‌نیازی از پیامبر جدید فراهم بوده است. برخی از این عوامل عبارت‌اند از:

۱- آمادگی جامعه بشری برای دریافت برنامه کامل زندگی: پایین بودن سطح درک انسان‌ها و عدم توانایی آنان در گرفتن برنامه کامل زندگی از عوامل تجدید نبوت‌ها بود. در عصر نزول قرآن، با اینکه مردم حجاز سطح فرهنگی پایینی داشتند، اما آمادگی فکری و فرهنگی جوامع مختلف به میزانی بود که می‌توانست کامل‌ترین برنامه زندگی را دریافت و حفظ کند و به کمک آن، پاسخ نیازهای فردی و اجتماعی خود را به دست آورد. به همین جهت می‌بینیم که با ورود اسلام به سرزمین‌های دیگری مانند ایران، عراق، مصر و شام نهضت علمی و فرهنگی بزرگی آغاز شد و دانشمندان و عالمان فراوانی ظهور کردند. در واقع، انسان‌ها وارد دوره‌ای شده بودند که می‌توانستند با تفکر در برنامه ارسال شده از سوی خدا، نیازهای هدایتی خود را در طول زمان‌های مختلف پاسخ دهند و در هر دوره‌ای به معارف جدیدتر و عمیق‌تری دست یابند.

۲- حفظ قرآن کریم از تحریف: با تلاش و کوشش مسلمانان و در پرتو عنایت الهی و با اهتمامی که پیامبر اکرم ﷺ در جمع‌آوری و حفظ قرآن داشت، این کتاب دچار تحریف نشد و هیچ کلمه‌ای بر آن افزوده یا از آن کم نگردید. به همین جهت این کتاب نیازی به «تصحیح» ندارد و جاودانه باقی خواهد ماند.

۳- وجود امام معصوم پس از پیامبر اکرم ﷺ: تعیین امام معصوم از طرف خداوند سبب شد که مسئولیت‌های پیامبر، به جز دریافت وحی ادامه یابد و جامعه کمبودی از جهت رهبری و هدایت نداشته باشد^۱.

۴- پویایی و روزآمد بودن دین اسلام: دینی می‌تواند برای همیشه ماندگار باشد که بتواند به همه سؤال‌ها و نیازهای انسان‌ها در همه مکان‌ها و زمان‌ها پاسخ دهد. دین اسلام ویژگی‌هایی دارد که

۱- با مسئولیت‌های امامان در درس‌های آینده بیشتر آشنا خواهید شد.

می‌تواند پاسخگوی نیازهای بشر در دوره‌های مختلف باشد.

برخی از این ویژگی‌ها عبارت‌اند از :

اول — توجه به نیازهای متغیر، در عین توجه به نیازهای ثابت : انسان در زندگی فردی و اجتماعی دو دسته نیاز دارد : **نیازهای ثابت** مانند نیاز به امنیت، عدالت، دادوستد با دیگران، ازدواج و تشکیل خانواده، تعلیم و تربیت و حکومت. این نیازها در همهٔ زمان‌ها برای بشر وجود داشته است و از بین نمی‌روند. دین اسلام برای هر کدام از این نیازها قوانین ثابت و مشخصی دارد.

دستهٔ دیگر، **نیازهای متغیر** هستند که از درون همین نیازهای ثابت پدید می‌آیند؛ یعنی، انسان‌ها با گذشت زمان برای پاسخ‌گویی به نیازهای ثابت خود، از روش‌ها و شیوه‌های مختلف و متغیری استفاده می‌کنند. مثلاً دادوستد یک نیاز ثابت است؛ اما شیوه و چگونگی دادوستد ممکن است در هر زمان تغییر کند. مثلاً یک روز کالا را با کالا عوض می‌کردند، روز دیگر به جای کالا سکه می‌گرفتند، بعدها پول اعتباری یعنی اسکناس به بازار آمد و امروزه قراردادهای بانکی، معامله‌ها را تنظیم می‌کنند. نیاز به امنیت هم یک نیاز ثابت است، اما چگونگی تأمین امنیت و ابزارها و اسلحه‌هایی که به این منظور به کار گرفته می‌شود، در مقایسه با دوره‌های گذشته بسیار متفاوت شده است. معارف اسلامی به گونه‌ای است که متخصصان دین می‌توانند از درون آن با توجه به نیازهای جدید به وجود آمده، قوانین مورد نیاز جامعه دربارهٔ بانکداری، اسکناس، خرید و استفاده از سلاح‌های جدید را استخراج کنند و در اختیار مردم قرار دهند.

بیشتر بدانیم

به عنوان یک نمونه، در مورد نیاز به امنیت و حفظ کشور در برابر تهاجم دشمن، که یک نیاز ثابت است، یک قاعدهٔ ثابت وجود دارد و آن اینکه در قرآن کریم می‌فرماید : **وَ اَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ، تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ**... : هر چه در توان دارید از نیرو و اسب‌های ورزیده فراهم آورید، تا به وسیلهٔ آن دشمن خدا و دشمن خود را بترسانید. فراهم کردن نیرو و قدرت برای تأمین امنیت و به میزانی که دشمن بترسد و جرأت حمله پیدا نکند، یک قاعدهٔ ثابت است؛ اما مصداق این نیرو در هر زمان متفاوت است. همان گونه که در یک دورهٔ زمانی برای مقابله با دشمن به اسب نیاز بوده است، امروز حکومت اسلامی وظیفه دارد به هر ابزار جدید و مشروعی برای حفظ کشور دست یابد تا کشور را از هر تهدیدی حفظ کند.

دوم — وجود قوانین تنظیم‌کننده : در اسلام دسته‌ای از قواعد و قوانین وجود دارد که به مقررات اسلامی خاصیت انطباق و تحرک داده است. این قواعد بر همه احکام و مقررات اسلامی تسلط دارند و مانند بازرسان عالی، احکام و مقررات را تحت نظر قرار می‌دهند و کنترل می‌کنند. به‌طور مثال پیامبر اکرم ﷺ فرموده است: «الْأَصْرَرُ وَالْأَضْرَرُ فِي الْإِسْلَامِ»^۱ اسلام با ضرر دیدن و ضرر رساندن مخالف است». این سخن به صورت یک قاعده درآمده و بسیاری از مقررات اسلامی را کنترل می‌کند. مثلاً روزه ماه رمضان بر هر مکلفی واجب است، اما اگر این روزه برای شخصی ضرر داشته باشد، بر او حرام می‌شود.

بنابراین، براساس عواملی که بیان شد، آخرین پیامبر الهی، کامل‌ترین و شایسته‌ترین برنامه را برای هدایت تمامی انسان‌ها، در همه زمان‌ها به مردم معرفی نمود و دیگر نیازی به آمدن پیامبر جدید نیست.



یکی خط است ز اوّل تا به آخر در این ره، انبیا چون ساربان‌اند وز ایشان سید ما گشته سالار بر او ختم آمده پایان این راه شده او پیش و دل‌ها جملہ در پی	بر او خلق جهان گشته مسافر دلیل و رهنمای کاروان‌اند هم او اوّل هم او آخر در این کار بر او نازل شده «ادْعُوا إِلَى اللَّهِ» ^۲ گرفته دست جان‌ها دامن وی ^۳
---	--

پاسخ سؤالات شما

برخی می‌پرسند با چه دلایلی می‌توان اثبات کرد که قرآن تحریف نشده است؟
در پاسخ می‌گوییم :

دلایل زیادی بر عدم تغییر و تحریف قرآن بیان شده است که برخی از آنها عبارت‌اند از :

۱- تأکید خداوند بر حفظ قرآن

از میان مهم‌ترین آیاتی که می‌توان به واسطه آنها بر عدم تحریف قرآن استدلال نمود، این آیه

است :

إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ؛ بی‌تردید ما این قرآن را به تدریج نازل کرده‌ایم و قطعاً

۱- من لا يحضره الفقيه، صدوق، ج ۳، ص ۱۰۳.

۲- سورة يوسف، آیه ۱۰۸.

۳- دیوان گلشن راز، محمود شبستری.

حفظ‌کننده آن خواهیم بود.^۱

علاوه بر این، ما در قرآن هیچ اختلافی بین آیات آن مشاهده نمی‌کنیم، اما اگر قرآن تحریف شده بود، قطعاً به فرموده خود قرآن، در آن اختلافات بسیاری یافت می‌شد.^۲

۲- اهتمام مسلمانان به حفظ و صیانت از قرآن :

پیامبر پس از دریافت وحی، کاتبان وحی را فرا می‌خواندند و آیات نازل شده، توسط آنان نگاشته می‌شد که در اسناد تاریخی، نام بیش از سی تن از این کاتبان برشمرده شده است. مسلمانان آن قدر به ضبط آیه‌ها و حرف حرف قرآن اهمیت می‌داده‌اند که گمان هرگونه تحریفی در قرآن را از بین می‌برد.

۳- یکسان بودن همه نسخه‌های قرآن از زمان پیامبر تاکنون

یکی از دلایلی که شبهه تحریف را از بین می‌برد این است که همه نسخه‌های قرآنی که از صدر اسلام و همچنین در دوره‌های مختلف تاریخی باقی مانده است، دقیقاً به همین شکلی است که اکنون وجود دارد.

با توجه به این نکته اگر تغییر و تحریفی در قرآن رخ می‌داد، بی‌تردید باید شاهد تفاوت قرآن‌های امروزی با نسخه‌های به جای مانده از قرن‌های گذشته و به خصوص صدر اسلام باشیم.

امروزه در مجموعه‌های فرهنگی و موزه‌های مربوط به نسخ خطی جهان، قرآن‌هایی موجود است که نگارش آنها به بیش از هزار سال و گاه به عصر پیامبر می‌رسد، و همه این نسخه‌ها از آغاز تاکنون بدون هیچ تحریف و کاستی یا زیادت‌ی است و همگی از لحاظ آیات و محتوا همانند یکدیگر می‌باشند. به تازگی نیز در تحقیقاتی^۳، کارشناسان آلمانی پی برده‌اند قرآنی که در کتابخانه دانشگاه توپینگن آلمان نگهداری می‌شود، بسیار قدیمی و مربوط به نیمه اول قرن اول هجری است. قرآن یاد شده از ۱۵۰ سال پیش در خزانه کتابخانه دانشگاه توپینگن نگهداری می‌شود، اما تاکنون کسی به قدمت و اهمیت آن پی نبرده بود. نسخه‌شناسان با استفاده از تکنیک‌های نوین دریافته‌اند که این قرآن، بین سال‌های ۶۴۹ تا ۶۷۵ میلادی تحریر شده است؛ یعنی تنها ۲۰ تا ۴۰ سال پس از رحلت حضرت محمد ﷺ.

۱- سورة حجر، آیه ۹.

۲- سورة نساء، آیه ۸۲.

وظیفه پیروان پیامبران گذشته

وقتی خداوند پیامبر جدیدی برای هدایت مردم می فرستد، وظیفه پیروان پیامبر قبل چیست؟ آیا ادامه پیروی از دستورات پیامبر قبلی، مورد قبول خداوند است؟ همان طور که بیان شد، خداوند فقط یک دین و یک راه برای هدایت انسان ها فرستاده است که از آن به «اسلام» تعبیر می شود. هر یک از پیامبران، این دین الهی را در خور فهم و اندیشه انسان های دوران خود بیان کرده اند. آمدن پیامبر جدید و آوردن کتاب جدید نشانگر این است که بخشی از تعلیمات پیامبر قبلی، اکنون نمی تواند پاسخگوی نیازهای مردم باشد.

هر پیامبری که می آمد، به آمدن پیامبر بعدی بشارت می داد و بر پیروی از او تأکید می کرد. بنابراین، وجود دو یا چند دین در یک زمان، نشانگر این است که پیروان پیامبر قبلی به آخرین پیامبر ایمان نیاورده اند و این کار به معنای سرپیچی از فرمان خدا و عدم پیروی از دستورات پیامبران گذشته است. علاوه بر این، امروزه به جز قرآن کریم هیچ کتاب آسمانی دیگری وجود ندارد که بتوان گفت محتوای آن به طور کامل از جانب خداست و انسان ها آن را کم و زیاد نکرده اند و با اطمینان خاطر بتوان از آن پیروی کرد. بنابراین، تنها دینی که می تواند مردم را به رستگاری دنیا و آخرت برساند اسلام است :

وَمَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا
فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ
وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ^۱
و هر کس که دینی جز اسلام اختیار کند
هرگز از او پذیرفته نخواهد شد
و در آخرت از زیانکاران خواهد بود.

برخی تصور می کنند پیامبران مانند فروشندگان کالا هستند که هر کدام برای خود فروشگاه های باز کرده و کالای خود را تبلیغ می کنند و مردم می توانند بین آن کالاها یکی را انتخاب نمایند. در صورتی که پیامبران مانند معلمان یک مدرسه اند که پایه های مختلف تحصیلی را به ترتیب تدریس می کنند و هر کدام مطالب سال قبل را تکمیل می کنند.

آنان همه یک برنامه و هدف مشخص را دنبال و همه یکدیگر را تأیید کرده اند. بنابراین، اگر کسی به آخرین پیامبر الهی ایمان بیاورد، در واقع به تمام پیامبران سابق نیز ایمان آورده است. همان طور که خداوند به مسلمانان دستور داده است :

قُولُوا أَمَنَّا بِاللَّهِ وَ مَا أُنْزِلَ إِلَيْنَا
وَ مَا أُنْزِلَ إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ
بگوئید : ما به خدا، و به آنچه بر ما نازل شده ایمان آوردیم
و به آنچه بر ابراهیم و اسماعیل

۱- سورة آل عمران، آیه ۸۵.

و اسحاق و یعقوب و پیامبرانی [از نسل یعقوب] نازل شده،
و به آنچه به موسی و عیسی داده شده،
و به آنچه به همه پیامبران از سوی پروردگارشان داده شده،
میان هیچ یک از ایشان فرق نمی گذاریم؛
و در برابر او تسلیم هستیم.

وَ إِسْحَاقَ وَ یَعْقُوبَ وَ الْأَسْبَاطَ
وَ مَا أُوتِيَ مُوسَىٰ وَ عِيسَىٰ
وَ مَا أُوتِيَ النَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ
لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ
وَ نَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ^۱

در این میان، ممکن است پیروان پیامبران گذشته از آمدن پیامبر جدید آگاه نشوند؛ چنین افرادی نزد خداوند عذر دارند و اگر مطابق دین خود عمل کرده باشند، پاداش خود را می گیرند. همچنین اگر کسانی دست به تحقیق و جست و جو بزنند، اما نتوانند به حقانیت دین جدید پی ببرند، عذرشان نزد خداوند پذیرفته است و مورد مؤاخذه قرار نمی گیرند. البته خداوند از قلب و درون همه آگاه است و میان کسانی که حقیقت را درک کرده اند، اما به خاطر امیال دنیوی از آن پیروی نمی کنند و کسانی که با همه زحمتی که کشیده اند، حقیقت را نیافته اند (که معمولاً تعدادشان بسیار اندک است)، فرق می گذارد و گروه دوم را مؤاخذه نخواهد کرد.

دانش تکمیلی

برای کسب دانش بیشتر در خصوص چگونگی محاسبه اعمال افراد غیرمسلمان در جهان آخرت به سایت گروه قرآن و معارف، بخش «دانش تکمیلی» مراجعه کنید.

پاسخ سؤالات شما

دین دانی یا دین داری؟!

ممکن است این سؤال برای برخی به وجود آید که چرا در میان پیروان دین راستین، جوامعی وجود دارد که نه تنها به سمت رشد و پیشرفت نمی روند بلکه به انواع گرفتاری ها و مشکلات دچار هستند؟ اگر دین آمده است تا با پاسخ به پرسش ها و نیازهای اساسی انسان ها، آنها را از مشکلات و تنگناها نجات دهد، چرا برخی جوامع دینی، گرفتار چنین مشکلاتی هستند؟

اولین علت بروز این مسئله، جهل بسیاری از مردم نسبت به دستورها و تعالیم دین است. آنان با

اینکه ادعا می‌کنند دین‌دار هستند، ولی در دستورهای دین اطلاع کامل و درستی ندارند و به‌جای آنکه در پی مطالعه و یادگیری معارف دین باشند به آنچه از این و آن شنیده‌اند بسنده می‌کنند. آنان نه می‌دانند که اصول دینشان چیست و بر چه پایه‌هایی استوار است و نه از احکام و قوانین دینشان که در زندگی روزمره باید به آن عمل کنند، خبر دارند. این‌گونه جوامع شاید به ظاهر دینی باشند، اما در واقع بهره‌ای از تعلیم نجات‌بخش دین نبرده‌اند.

دومین علت، عمل نکردن مردم به دستورهای دین است. برخی مردم با وجود آگاهی از تعلیم دین و با اینکه می‌دانند که نجات آنها در عمل به این تعلیم است، اما به دلیل دل‌بستن به هوس‌های زودگذر، به آن عمل نمی‌کنند و پایبند به دستورهایش نیستند.

بنابراین، اگر می‌خواهیم تأثیر بی‌ظنیر دین را در زندگی و جامعه خود مشاهده کنیم، باید مطالعه و شناخت تعلیم دین و سپس اطاعت از دستورهای آن را سرلوحه کار خود قرار دهیم. البته در این راه باید سعی کنیم به تمام احکام شریعت عمل کنیم، نه اینکه به برخی موارد عمل کنیم و برخی دیگر را کنار بگذاریم.

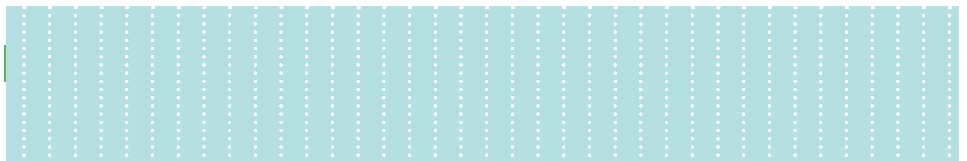
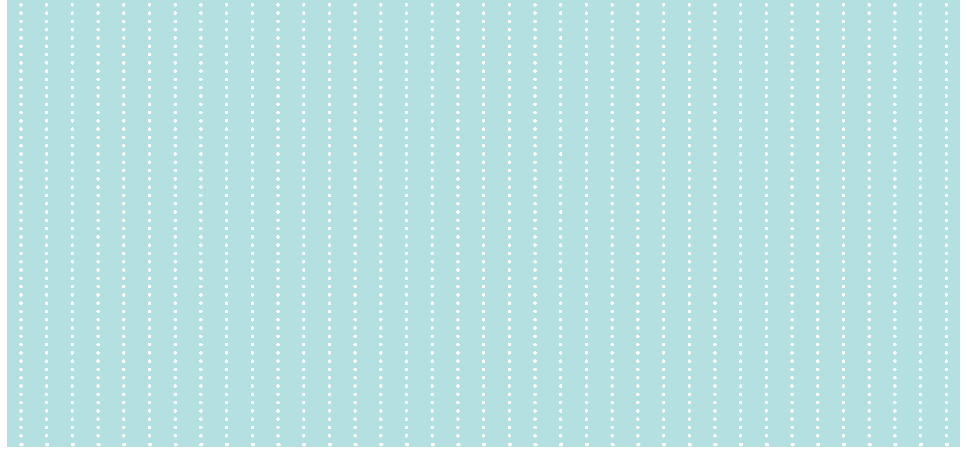
اندیشه و تحقیق

به نظر شما آیا این امکان وجود داشت که خداوند برنامه سعادت بشر را یکبار برای همیشه در زمان حضرت آدم (علیه السلام) برای مردم بفرستد؟ چرا؟

منابع برای مطالعه بیشتر

فایل پی‌دی‌اف کتاب‌های معرفی شده در این بخش، در سایت گروه قرآن و معارف به آدرس <http://quran-dept.talif.sch.ir> در بخش «معرفی کتاب» موجود است.

نام کتاب	نویسنده	انتشارات	مخاطب
آفتاب اندیشه (ج ۲)	حسین سوزنجی	مدرسه	معلم
اصول عقائد و دستورات دینی	سید محمد حسین طباطبایی	دفتر تنظیم و نشر آثار علامه طباطبایی	معلم
اصول عقاید	محسن قرائتی	مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن	دانش آموز
داستان پیامبران	موسوی گرمارودی	قدیانی	دانش آموز
ختم نبوت	مرتضی مطهری	صدرا	معلم
گل‌ها همه آفتاب‌گردان‌اند	قبصر امین پور	مروارید	دانش آموز



أَلَا إِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمُوتِ وَالْأَرْضِ ۚ أَلَا إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ
 حَقٌّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٥٥﴾ هُوَ يُحْيِي وَ
 يُمِيتُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٥٦﴾ يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ
 مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَشِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ وَهُدًى
 وَرَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ ﴿٥٧﴾ قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ
 فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا ۖ هُوَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ ﴿٥٨﴾
 قُلْ أَرَأَيْتُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ لَكُمْ مِنْ رِزْقٍ فَجَعَلْتُمْ مِنْهُ
 حَرَامًا وَحَلَالًا ۚ قُلْ ءَلِلَّهِ أَذِنَ لَكُمْ ۚ أَمْ عَلَى اللَّهِ
 تَفْتَرُونَ ﴿٥٩﴾ وَ مَا ظَنُّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبِ
 يَوْمَ الْقِيَمَةِ ۖ إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ
 أَكْثَرَهُمْ لَا يَشْكُرُونَ ﴿٦٠﴾ وَمَا تَكُونُ فِي شَأْنٍ وَمَا
 تَتَلَوْنَ مِنْهُ مِنْ قُرْآنٍ وَلَا تَعْمَلُونَ مِنْ عَمَلٍ إِلَّا كُنَّا
 عَلَيْكُمْ شُهُودًا إِذْ تُفِيضُونَ فِيهِ ۚ وَ مَا يَعْزُبُ
 عَنْ رَبِّكَ مِنْ مِثْقَالِ ذَرَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ
 وَلَا أَصْغَرَ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْبَرَ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ ﴿٦١﴾

بدانید که [مالکیت] آنچه در آسمان‌ها و زمین است، از آن خداست؛ بدانید وعده خدا حق است، ولی بیشتر آنان نمی‌دانند. ﴿۵۵﴾

او زنده می‌کند و می‌میراند و به سوی او بازگردانده می‌شوید. ﴿۵۶﴾
ای مردم، برای شما از جانب پروردگارتان پندی و درمانی برای آنچه [از صفات نکوهیده و عقاید نادرست] در سینه‌هاست و رهنمود و رحمتی برای مؤمنان آمده است. ﴿۵۷﴾

بگو: به فضل و رحمت خداست که [مؤمنان] باید شاد شوند. این از هر آنچه [دارایی و امکانات] که فراهم می‌آورند، بهتر است. ﴿۵۸﴾

بگو: به من خبر دهید از رزقی که خدا برای شما فروفرستاده و شما بخشی از آن را حرام و بخشی را حلال دانسته‌اید، بگو: آیا خدا به شما اجازه داده است که این احکام را صادر کنید، یا بر خدا دروغ می‌بندید؟ ﴿۵۹﴾

کسانی که بر خدا دروغ می‌بندند، [به فرجام خود] در روز قیامت چه گمان می‌برند؟ البته، خداوند از فضل خود به مردم عطا می‌کند، ولی بیشترشان ناسپاسی می‌کنند. ﴿۶۰﴾

در هیچ حال [و اندیشه‌ای] نیستی و هیچ بخشی از قرآن را تلاوت نمی‌کنی و تو و دیگران هیچ کاری را انجام نمی‌دهید، مگر اینکه ما بر شما گواهیم؛ و هم وزن ذره‌ای [غبار بسیار ریزی که در هوا پراکنده است] نه در زمین و نه در آسمان از پروردگار تو پنهان نمی‌ماند، و چیزی کوچک‌تر از ذره و بزرگ‌تر از آن نیست، مگر اینکه در کتابی روشن ثبت است. ﴿۶۱﴾

ستاره‌ای بدرخشید و ماه مجلس شد دل رمیده ما را اینس و مونس شد
نگار من که به کتب زلفت و خط توشت به غزوه مسئله آموز صد مدرس شد

قرآن کریم، آخرین کتاب الهی است که بر خاتم پیامبران نازل شده و گواه و دلیل نبوت ایشان است.

در این درس به بررسی این موضوع می‌پردازیم تا بدانیم :
اولاً چرا معجزه جاوید پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله از نوع کتاب است؟
ثانیاً قرآن کریم از چه جهانی معجزه است؟



تصور کنید که شما در چند هزار سال قبل زندگی می کردید و یک روز می شنیدید که شخصی به نام موسی خود را پیامبر خدا معرفی کرده است و ادعا می کند از جانب خدا برای هدایت انسان ها دستوراتی را آورده است. شما چگونه یقین می کردید که او در ادعایش صادق است و واقعاً از جانب خدا آمده است؟



هرگاه پیامبری از سوی خداوند مبعوث می شد، برای اینکه مردم دریابند که وی با خداوند ارتباط دارد و از طرف او مأمور به پیامبری شده است، کارهای خارق العاده ای انجام می داد که هیچ کس بدون تأیید و اذن خداوند قادر به انجام آنها نبود^۱. قرآن کریم این کارهای خارق العاده را «آیت» یعنی نشانه و علامت نبوت می خواند و اندیشمندان اسلامی آن را معجزه می نامند؛ زیرا عجز و ناتوانی سایر افراد در این امور آشکار می شود.

تناسب معجزه هر پیامبر با زمان خود

پیامبری حضرت موسی علیه السلام در دورانی بود که سحر و جادو رواج داشت. مثلاً ساحران طناب هایی را روی زمین می انداختند و با روش هایی خاص، آنها را به حرکت در می آوردند و مردم تصور می کردند که به مار تبدیل شده اند. مردم ساحران را انسان هایی فوق العاده می دانستند و به آنها احترام می گذاشتند.

بنابراین، حضرت موسی علیه السلام باید عملی انجام می داد که فراتر از کار ساحران و جادوگران باشد، تا مردم بدانند که ساحران در برابر قدرت خداوند، ناتوان و ضعیف اند. به همین دلیل بود که ساحران با دیدن عصای حضرت موسی علیه السلام و تبدیل شدن آن به اژدهایی عظیم، نه تنها به معجزه بودن آن اعتراف کردند، بلکه به خدای یگانه ایمان نیز آوردند و نبوت حضرت موسی علیه السلام را تصدیق کردند. گروهی از آنان به همین دلیل، به دستور فرعون به قتل رسیدند.

حضرت عیسی علیه السلام نیز در زمانی مبعوث شد که برخی شاخه های علم، مانند پزشکی پیشرفت زیادی کرده بود و پزشکان، جایگاهی ویژه در جامعه داشتند. معجزه حضرت عیسی علیه السلام نیز بیشتر در همین راستا قرار گرفت؛ مانند شفادادن به بیماری های غیرقابل درمان و زنده کردن مردگان. قرآن کریم از زبان حضرت عیسی علیه السلام می فرماید :

من با نشانه ای از پروردگارتان نزد شما آمده ام
برایتان از گل چیزی چون پرنده می سازم

أَنِّي قَدْ جِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ
أَنِّي أَخْلُقُ لَكُمْ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ

۱- فرق معجزه با کارهای خارق العاده مرتاضان و ساحران و تردستان هم همین است که کارهای آنان با تعلیم و تمرین قابل یادگیری است، اما کار پیامبران به گونه ای است که آنان بدون آموزش قبلی معجزه می کنند و هیچ گاه مغلوب کار دیگران واقع نمی شوند؛ مثلاً وقتی عصای حضرت موسی علیه السلام به اژدها تبدیل می شد، بر کارهای ساحران غلبه می کرد. همچنین هیچ کس نمی توانست مانند آن را انجام دهد.

و در آن می‌دمم، به اذن خدا پرنده‌ای شود
و کور مادرزاد را و برص گرفته را شفا می‌دهم
و به فرمان خدا مردگان را زنده می‌کنم.

فَأَنْفُخُ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا يَإِذْنِ اللَّهِ
وَأُبْرِئُ الْأَكْمَهَ وَالْأَبْرَصَ
وَأُحْيِي الْمَوْتَى يَإِذْنِ اللَّهِ.^۱

البته معجزات پیامبران گذشته، فقط برای مردم آن زمان قابل مشاهده بود و امروز اثری از آنها باقی نمانده است.

به نظر شما معجزه آخرین پیامبر الهی که دینش برای مردم تمامی دوران‌ها تا روز قیامت خواهد بود، چگونه باید باشد؟



معجزه آخرین پیامبر الهی باید به گونه‌ای باشد که :

۱- مردم زمان خودش به معجزه بودن آن اعتراف کنند و آن را فوق توان بشری بدانند.

۲- آیندگان هم معجزه بودن آن را تأیید کنند.

از این رو، خداوند معجزه اصلی پیامبر اکرم ﷺ را قرآن کریم قرار داد؛ معجزه‌ای از جنس «کتاب»؛ کتابی که هیچ‌کس توان آوردن مانند آن را ندارد. خداوند به کسانی که در الهی بودن قرآن کریم شک دارند، پیشنهاد کرده است تا کتابی همانند آن را بیاورند^۲ و برای اینکه ناتوانی آنها را نشان دهد، این پیشنهاد را به ده سوره کاهش داده است^۳ و برای اثبات نهایت عجز و ناتوانی آنان، پیشنهاد آوردن حتی یک سوره مانند سوره‌های قرآن را هم به آنها داده است :

أَيَا مَيِّ گویند : او به دروغ آن [قرآن] را به خدا نسبت داده است؟
أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ
قُلْ فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ^۴

این دعوت به مبارزه را «تحدی» می‌گویند و خداوند تأکید می‌کند که هیچ‌گاه، هیچ‌کس نمی‌تواند در این مبارزه پیروز شود و همانند قرآن را بیاورد :

بگو : اگر تمامی انس و جن جمع شوند
تا همانند قرآن را بیاورند،
نمی‌توانند همانند آن را بیاورند،
هر چند پشتیبان هم باشند.

قُلْ لِّئِنْ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنَّ
عَلَى أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ
لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ
وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا.^۵

۲- سوره اسراء، آیه ۸۸.

۴- سوره یونس، آیه ۳۸.

۱- سوره آل عمران، آیه ۴۹.

۳- سوره هود، آیه ۱۳.

۵- سوره اسراء، آیه ۸۸.

از آن روز که قرآن کریم دعوت به مبارزه را اعلام کرده است، بیش از چهارده قرن می‌گذرد و این دعوت همچنان ادامه دارد. مخالفان سرسخت اسلام از همان ابتدای نزول قرآن کریم تاکنون، در این باره تلاش بسیار کرده‌اند تا عظمت قرآن را زیر سؤال ببرند، اما نتوانسته‌اند سوره‌ای حتی به اندازه سوره «کوثر» بیاورند که اندیشمندان و متخصصان زمان، برابری آن را با سوره‌ای از قرآن بپذیرند؛ درحالی که آسان‌ترین راه برای غیرالهی نشان دادن اسلام و قرآن کریم، آوردن سوره‌ای مشابه یکی از سوره‌های این کتاب الهی است.

آری، از گذشته دور تا امروز، مخالفان قرآن کریم متن‌هایی ارائه کرده‌اند که برای افراد غیرمتخصص ممکن است بی‌عیب جلوه کند، اما تاکنون هیچ‌یک از این متن‌ها در مراکز علمی و تخصصی، مورد قبول واقع نشده است و جملگی به فراموشی سپرده شده‌اند.

فعالیت کلاسی

به نظر شما چرا خداوند، معجزه آخرین پیامبر خود را کتاب قرار داده است؟

پاسخ سؤالات شما

برخی می‌پرسند که آیا پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله به غیر از معجزه جاوید خود که متعلق به همه عصرها و دوران‌هاست، معجزات دیگری نیز برای مردم زمان خود داشته‌اند؟ پاسخ اینک: بله، پیامبر صلی الله علیه و آله در کنار معجزه اصلی خود (قرآن) معجزات دیگری نیز داشت. معجزاتی مانند حرکت کردن و دو نیم شدن درخت به دستور ایشان، شق القمر، ستون حنانه و ... حضرت علی علیه السلام در یکی از سخنان خود می‌فرمایند:

من با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بودم که گروهی از بزرگان قریش آمدند و گفتند: ما از تو چیزی می‌خواهیم که اگر بپذیری و انجام دهی، پی می‌بریم که تو فرستاده خدا هستی و اگر انجام ندهی، بر ما مشخص می‌شود که جادوگر و دروغ‌گویی.

پیامبر صلی الله علیه و آله پرسید: چه می‌خواهید؟ گفتند: به آن درخت بگو از ریشه درآید و در پیش روی تو بایستد. پیامبر صلی الله علیه و آله گفت: خدا بر هر کاری تواناست. آیا اگر خدا برای شما چنین کند، ایمان می‌آورید؟ گفتند: آری

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: اکنون آنچه خواسته‌اید به شما نشان خواهم داد، ولی می‌دانم که به راه خیر باز نمی‌گردید.

سپس به درخت اشاره کرد و فرمود: ای درخت، اگر به خدا و روز جزا ایمان داری و می‌دانی

که من پیامبر خدا هستم، به اذن خدا از ریشه درآی و در برابر من بایست. درخت با ریشه‌هایش از زمین کنده شد و نزد پیامبر آمد و شاخه‌های بالایی خود را بر رسول الله ﷺ سایبان کرد و یکی از شاخه‌هایش را نیز بر شانه من نهاد که در طرف راست آن حضرت بودم.

آن گروه به آن نگرستند و از روی تکبر و گردنکشی گفتند: حال دستور بده نیمی از آن، نزد تو بیاید و نیم دیگر جای خودش بماند. پیامبر فرمان داد. نیمی از درخت نزد او آمد. آنها از روی کبر و سرکشی گفتند: حال دستور بده تا به نیم دیگر خود ملحق شود. پس پیامبر امر فرمود و درخت بازگشت.

من گفتم: لا اله الا الله. ای رسول خدا، من نخستین کسی هستم که به تو ایمان آورده‌ام و نخستین کسی هستم که گواهی می‌دهم درخت با فرمان خدا برای تصدیق نبوت و بزرگداشت دعوت رسالت، آنچه را خواستی، انجام داد.

بزرگان قریش گفتند این مرد جادوگری دروغ‌گوست و در جادوگری مهارت خیلی زیادی دارد. سپس گفتند: آیا جز همانند این (مقصودشان من بودم) کسی تو را در کارت تصدیق می‌کند؟^۱



جنبه‌های اعجاز قرآن کریم

هر کتابی از دو جنبه قابل بررسی است: اول از جنبه لفظی و دوم از جنبه محتوایی؛ قرآن کریم در هر دو جنبه معجزه است:

۱- اعجاز لفظی: خداوند قرآن کریم را با همین حروف و کلماتی که در دسترس بشر است، نازل کرده است. اما چون خداوند بر همه امور داناست، برای بیان معارف ژرف و عمیق قرآن، زیباترین و مناسب‌ترین کلمات و عبارت‌ها را انتخاب کرده است تا به بهترین وجه، معنای مورد نظر را برساند و دل‌های آماده را به سوی حق جذب کند. هر کس با زبان عربی آشنا باشد، به محض خواندن قرآن، درمی‌یابد که آیات آن با سایر سخن‌ها کاملاً فرق می‌کند و به شیوه‌ای خاص بیان شده است.

فیلم (۱): عکس‌العمل غیر مسلمانان هنگام شنیدن آیات قرآن

این حقیقت، از همان آغاز نزول مورد توجه همگان و حتی مخالفان قرار گرفته بود. ساختار زیبا و آهنگ موزون و دلنشین کلمه‌ها و جمله‌ها، شیرینی بیان و رسایی تعبیرات با وجود اختصار سبب شده بود که سران مشرکان، مردم را از شنیدن قرآن منع کنند و اگر کسی برای شنیدن قرآن نزد پیامبر می‌رفت، یا از پشت دیوار خانه پیامبر، به قرآن خواندن ایشان گوش فرا می‌داد، او را مجازات می‌کردند.

همین زیبایی لفظی، سبب نفوذ خارق العاده این کتاب آسمانی در افکار و قلوب در طول تاریخ شده است و بسیاری از مردم به خصوص ادیبان و اندیشمندان تحت تأثیر آن مسلمان شده‌اند.

فیلم (۲): پس از مشاهده این تلاوت زیبا، احساس درونی خود را بیان کنید.



بیشتر بدانیم

کافری که مجذوب قرآن شد!

ولید بن مغیره از بزرگان مکه بود. روزی به تقاضای جمعی از مشرکان نزد پیامبر ﷺ آمد تا از نزدیک شخصیت او و معجزه‌اش را بررسی کند. پیامبر ﷺ قسمتی از سوره «سجده» را تلاوت کرد. این آیات چنان تأثیر و هیجانی در ولید ایجاد کرد که بی‌اختیار از جا حرکت نمود، نزد مشرکان بازگشت و گفت:

سوگند می‌خورم که از محمد سخنی شنیدم که نه به گفتار انسان‌ها شباهت دارد و نه به گفتار پریان؛ گفتار او شیرینی و زیبایی مخصوصی دارد، و بر هر گفتاری پیروز خواهد شد. از آن روز زمزمه در میان قریش افتاد که حتی ولید نیز مجذوب گفتار پیامبر شده است.^۱

دانش تکمیلی ۱

اگر مایلید با نمونه‌های بیشتری از کسانی که با شنیدن تلاوت قرآن تحت تأثیر زیبایی لفظی و آهنگ موزون آن قرار گرفته و مسلمان شده‌اند، آشنا شوید به سایت گروه قرآن و معارف بخش «دانش تکمیلی» مراجعه کنید.

۲- اعجاز محتوایی: گذشته از اعجاز لفظی، قرآن کریم از نظر محتوا و مطالب آن ویژگی‌هایی دارد که نشان می‌دهد از قلم هیچ اندیشمندی تراوش نکرده است، چه رسد به شخصی که قبل از آن، چیزی ننوشته و آموزشی ندیده است. این جنبه از اعجاز برای کسانی که زبان قرآن را نمی‌دانند و فقط از ترجمه‌ها استفاده می‌کنند نیز قابل فهم و ادراک است. برخی از این جنبه‌های اعجازی عبارت‌اند از:

الف) انسجام درونی در عین نزول تدریجی: می‌دانیم که آثار و نوشته‌های اولیه دانشمندان و متفکران با آثار دوران پختگی آنها متفاوت است. از این رو، دانشمندان معمولاً در نوشته‌های گذشته خود تجدید نظر می‌کنند و اگر بتوانند، کتاب‌های گذشته خود را اصلاح می‌نمایند.

۱- قرآن و آخرین پیامبر، ناصر مکارم شیرازی، ص ۷۸.

با اینکه بیش از شش هزار آیه قرآن کریم در طول ۲۳ سال به تدریج نازل شده و درباره موضوعات متنوع سخن گفته است، نه تنها میان آیات آن، تعارض و ناسازگاری نیست، بلکه آیاتش دقیق‌تر از اعضای یک بدن با یکدیگر هماهنگی دارند و همدیگر را تأیید می‌کنند.

تدبر در قرآن

خداوند در قرآن می‌فرماید:

أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا^۱
با توجه به این آیه بیان کنید چرا خداوند بر این نکته تأکید دارد که اگر قرآن از جانب غیر خدا بود، قطعاً ناسازگاری و اختلافات زیادی در آن یافت می‌شد؟

ب) تأثیر ناپذیری از عقاید دوران جاهلیت: در هر دوره‌ای از زمان، مجموعه‌ای از افکار، عقاید و آداب و رسوم که از آن به فرهنگ تعبیر می‌شود، مردم را کم‌وبیش تحت تأثیر قرار می‌دهد. فرهنگ مردم حجاز، آمیزه‌ای از عقاید نادرست و آداب و رسوم خرافی و شرک‌آلود بود. با وجود این، قرآن کریم نه تنها از این فرهنگ تأثیر نپذیرفت، بلکه به شدت با آداب جاهلی و رسوم خرافی آن مبارزه کرد و به اصلاح جامعه پرداخت و از موضوع‌هایی همچون عدالت‌خواهی، علم‌دوستی، معنویت و حقوق برابر انسان‌ها سخن گفته است.

ج) جامعیت و همه‌جانبه بودن: با وجود اینکه قرآن کریم چهارده قرن پیش نازل شده، اما در مورد همه مسائل مهم و حیاتی که انسان در هدایت به سوی کمال بدان نیاز دارد، سخن گفته و چیزی را فروگذار نکرده است. این کتاب فقط از امور معنوی، یا آخرت و رابطه انسان با خدا سخن نمی‌گوید؛ بلکه از زندگی مادی و دنیوی انسان، مسئولیت‌های اجتماعی و رابطه وی با انسان‌های دیگر سخن می‌گوید و برنامه‌ای جامع و همه‌جانبه را در اختیارش قرار می‌دهد.

امام باقر (علیه السلام) می‌فرماید: «خداوند آنچه را که امت تا روز قیامت به آن احتیاج دارد، در کتابش [قرآن] آورده است».^۲

البته روشن است که منظور از آنچه مورد نیاز است، نیازهای مربوط به برنامه زندگی و هدایت انسان‌هاست؛ یعنی همان نیازهایی که پیامبران به خاطر آنها فرستاده شده‌اند.

فیلم (۳): پس از مشاهده فیلم بگویید علت اصلی اسلام آوردن جوان استرالیایی چه بوده است؟ 

۱- سورة نساء، آیه ۸۲.

۲- «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَمْ يَدَعْ سَبِيحًا نَحْتَاجُ إِلَيْهِ الْأُمَّةَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ إِلَّا أَنْزَلَهُ فِي كِتَابِهِ»؛ اصول کافی، کلینی، ج ۱، ص ۲۶۱.

(د) ذکر نکات علمی بی سابقه : در جامعه‌ای که علم و دانش جایگاهی نداشت و خبری از رشته‌هایی مانند فیزیک، زیست‌شناسی، گیاه‌شناسی و ستاره‌شناسی نبود، قرآن کریم به برخی نکات علمی اشاره می‌کند که در تمام دنیای آن روز بی سابقه بود و بعدها به مرور زمان توسط دانشمندان کشف گردید.^۱ اشاره به این قبیل نکات علمی، گویای آن است که قرآن کریم بسیار فراتر از علم آن روز جامعه، سخن گفته و ذکر این قبیل نکات علمی فقط از کسی ساخته است که آگاه به همه علوم باشد؛ یعنی خداوند متعال. به چند نمونه از نکات علمی قرآن کریم توجه کنید :

۱- نیروی جاذبه

در قرن هجدهم میلادی دانشمندان دریافتند که نیرویی عامل حفظ نظم و نگهداری ستارگان و سیارات در مدار خود است، نیرویی که آن را «نیروی جاذبه» نام نهادند. اما قرن‌ها قبل از آن، قرآن کریم از وجود این نیرو خبر داد و آن را عامل درهم نرفتن ستارگان در یکدیگر معرفی کرد و فرمود :

خداوند، آسمان‌ها را با ستون‌هایی که برای شما دیدنی نیستند، برپا داشته است.^۲



فیلم (۴)

۲- انبساط جهان

نظریه انبساط جهان، یکی از مهم‌ترین کشفیات نجومی انسان در قرن بیستم است. بر طبق این نظریه، کهکشان‌ها با سرعت فوق‌العاده‌ای در حال حرکت و فاصله گرفتن از یکدیگرند که در نتیجه آن، جهان هستی مدام در حال گسترش و انبساط است. مطلبی که خداوند در قرآن کریم به آن اشاره کرده است :

وَالسَّمَاءَ بَنَيْنَاهَا بِأَيْدٍ وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ^۳

و آسمان را با قدرت خود برافراشتیم و همواره آن را وسعت می‌بخشیم.

بیشتر بدانیم

نمونه دیگر از معجزات علمی قرآن :

ماه تابان و خورشید درخشان

خداوند در قرآن کریم از ماه با تعبیر «منیر» و از خورشید با تعبیر «سراج» یاد کرده است. در زبان عربی، منیر به شیء نورانی‌ای گفته می‌شود که از خودش نوری ندارد، اما نور از منبع دیگری بر روی آن می‌تابد، در حالی که سراج به شیء نورانی‌ای می‌گویند که نورش از درون خودش

۱- البته، قرآن کتاب هدایت است، نه کتابی درباره علوم. به همین جهت اگر گاهی به یک نکته علمی می‌پردازد، برای نشان دادن عظمت خلقت و واداشتن انسان‌ها به تفکر در جهان است. از این روست که این نکات علمی را به صورت کوتاه و در حد اشاره مطرح می‌کند.

۲- سوره رعد، آیه ۲.

۳- سوره ذاریات، آیه ۴۷.

است. ۱. قرآن کریم قرن‌ها قبل از آنکه بشر به این نکته پی ببرد که نور ماه از خودش نیست و آن را از خورشید دریافت می‌کند، به زیبایی، این نکته را بیان کرده است:

تَبَارَكَ الَّذِي جَعَلَ فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَجَعَلَ فِيهَا سِرَاجًا وَقَمَرًا مُنِيرًا^۲

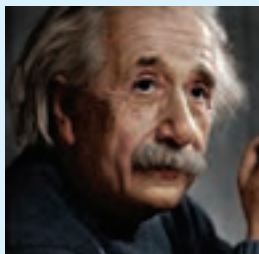
دانش تکمیلی ۲

یکی دیگر از نمونه‌های اعجاز محتوایی قرآن، خبر دادن قرآن از حوادث آینده به مسلمانان صدر اسلام بود. اگر علاقه‌مندید می‌توانید برای آشنایی با نمونه‌هایی از این اخبار، به سایت گروه قرآن و معارف، بخش «دانش تکمیلی» مراجعه کنید.

بیشتر بدانیم

قرآن از نگاه دانشمندان جهان

دانشمندان و متفکران امروز جهان، حتی کسانی که مسلمان نیستند، در برابر عظمت و بزرگی قرآن خضوع می‌کنند و از این کتاب، به بزرگی یاد می‌نمایند. به نمونه‌ای از اظهارنظرهای دانشمندان معاصر در این باره توجه کنید:^۳



۱- آلبرت اینشتین (متفکر و فیزیک‌دان بزرگ) Albert Einstein: قرآن، کتاب جبر، هندسه، یا حساب نیست؛ بلکه مجموعه‌ای از قوانین است که بشر را به راه راست، راهی که بزرگ‌ترین فلاسفه از تعریف آن عاجزند، هدایت می‌کند.



۲- پرفسور هانری کرین (فیلسوف معاصر فرانسوی) H. Corbin: اگر اندیشه محمد ﷺ خرافی بود و اگر وحی او وحی الهی نبود، هرگز جرئت نمی‌کرد بشر را به علم دعوت کند. هیچ‌یک از افراد بشر و هیچ شیوه تفکری به اندازه محمد ﷺ و قرآن، انسان را به دانش دعوت نکرده‌اند؛ تا آنجا که در قرآن، حدود نهصد بار از علم، فکر و عقل سخن به میان آمده است.

۱- قاموس قرآن، سید علی اکبر قریشی، ج ۴، ص ۲۰۳؛ مفردات الفاظ قرآن، راغب اصفهانی، ص ۱۶۷.

۲- سوره فرقان، آیه ۶۱.

۳- برگرفته از کتاب «قرآن از دیدگاه ۱۱۴ دانشمند جهان» از محمد مهدی علیقلی و تلخیص کاظم تقی‌زاده.

۳- دکتر گوستاو لوبون (مورخ بزرگ فرانسوی) D. Goustawe Lebon :



قرآن که کتاب آسمانی مسلمانان است، به تعالیم و دستورات مذهبی منحصر نمی‌شود، بلکه مشتمل است بر دستورات سیاسی و اجتماعی، خیرات، نیکی، مهمان‌نوازی، اعتدال در خواهش‌های نفسانی، وفای به عهد، اکرام والدین، کمک کردن به بیوه و یتیم و سرپرستی آنها، نیکی کردن در مقابل بدی که در موارد متعددی بر آن تأکید شده، و در آن تمام این صفات و خصلت‌های پسندیده تعلیم داده شده است. تعلیمات اخلاقی قرآن، به مراتب بالاتر از تعلیمات انجیل است.

تدبر در قرآن

با توجه به آیه زیر، چرا خداوند معجزه جاوید خود را توسط پیامبری به دست مردم رساند که نزد هیچ کس درس نخوانده بود؟ اگر این کتاب توسط یکی از درس‌خواندگان و دانشمندان جامعه آورده می‌شد، ممکن بود چه شک و شبهه‌ای ایجاد شود؟

وَمَا كُنْتَ تَتْلُو مِنْ قَبْلِهِ مِنْ كِتَابٍ وَلَا تَخُطُّ بِيَمِينِكَ إِذَا لَارْتَابَ الْمُبْطِلُونَ^۱
و پیش از آن، هیچ نوشته‌ای را نمی‌خواندی و با دست خود، آن را نمی‌نوشتی که در آن صورت، کجروان به شک می‌افتادند.

اندیشه و تحقیق

۱- به نظر شما چرا اندیشه دانشمندان به مرور زمان تغییر می‌کند؟ این ویژگی، چگونه الهی بودن قرآن را اثبات می‌کند؟

۲- با توجه به دو متن زیر، به سؤالات پاسخ دهید :

الف) شاید بتوان کتابی را در جهان یافت که در آن به اندازه قرآن کریم به عقل، تفکر و علم دوستی تأکید شده باشد. در این کتاب، بیش از ۷۷۰ بار از علم، ۱۸۵ بار از گوش دادن و توجه کردن، ۴۹ بار از عقل، ۱۸ بار از فکر کردن، ۱۳۲ بار از تبیین و دلیل، و نیز ده‌ها کلمه دیگر مانند قلم و کتاب که به تفکر و علم مربوط می‌شوند، نام برده شده است. همچنین آیات متعددی در نکوهش جهل، غفلت و تعقل نکردن وجود دارد.

ب) در جامعه آن روز عربستان و حتی دیگر نقاط جهان، کرامت زنان نادیده گرفته می‌شد. به گونه‌ای که اگر

۱- سورة عنكبوت، آیه ۴۸.

خانواده‌ای فرزند دختر به دنیا می‌آورد، احساس شرم می‌کرد؛^۱ در چنین فضایی، قرآن کریم با بیان کرامت زن و تساوی وی با مرد در انسانیت اعلام کرد: هر کس، از مرد و زن، عمل صالح انجام دهد و اهل ایمان باشد، خداوند به او حیات پاک و پاکیزه می‌بخشد؛^۲ و عمل هیچ مرد و زنی را ضایع نمی‌کند.^۳ علاوه بر این، قرآن کریم برای زن، حقوق خانوادگی و اجتماعی قائل شد، در مالکیت به او استقلال بخشید و درآمد کارش را از آن خودش دانست؛ هزینه خانواده را از دوش او برداشت و بردوش مرد قرار داد و به خصوص بر کرامت، عزت و عفافش تأکید کرد تا در جامعه مورد سوء استفاده مرد قرار نگیرد.

● متن الف به کدام یک از جنبه‌های اعجاز قرآن کریم اشاره می‌کند؟

● متن ب به کدام یک از انواع اعجاز محتوایی اشاره می‌کند؟

پیشنهاد

در یک کار تحقیقی، برخی نمونه‌های دیگر از اعجازهای علمی قرآن را پیدا و در کلاس بیان کنید.

معرفی کتاب

منابع برای مطالعه بیشتر

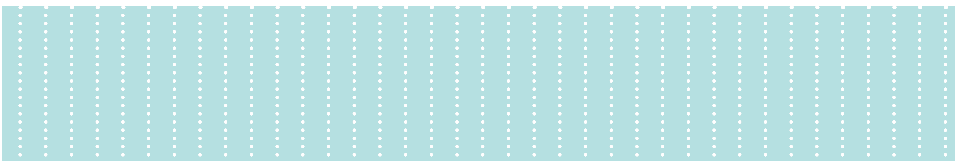
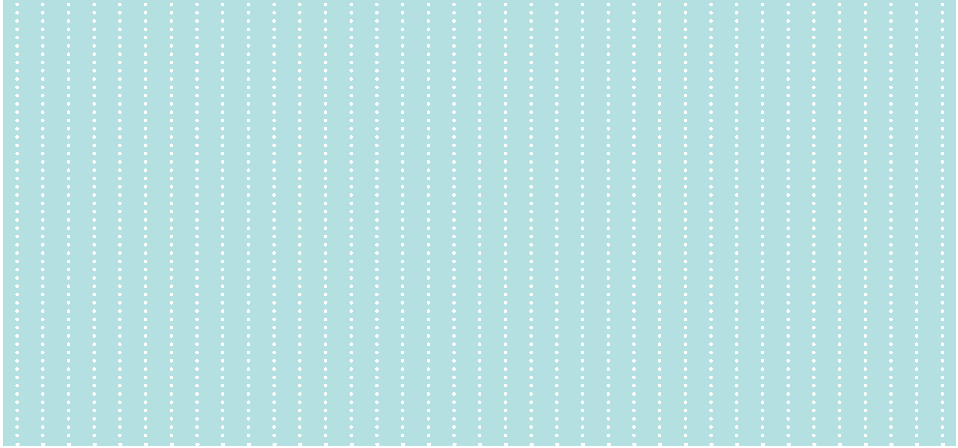
فایل پی‌دی‌اف کتاب‌های معرفی شده در این بخش، در سایت گروه قرآن و معارف به آدرس <http://quran-dept.talif.sch.ir> در بخش «معرفی کتاب» موجود است.

نام کتاب	نویسنده	انتشارات	مخاطب
تدوین قرآن	علی کورانی	مؤسسه فرهنگی طه	معلم
قرآن از دیدگاه ۱۱۴ دانشمند جهان	محمد مهدی علیقلی	نشر سینا	معلم/ دانش آموز
قرآن و آخرین پدیده‌های علمی	جعفر رضایی فر	فوزان	معلم/ دانش آموز
قرآن و آخرین پیامبر	ناصر مکارم شیرازی	دارالکتب الاسلامیه	معلم/ دانش آموز

۱- سوره نحل، آیه ۵۸.

۲- سوره نحل، آیه ۹۷.

۳- سوره آل عمران، آیه ۱۹۵.



أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ وَ
 مَا أُنْزِلَ مِنْ قَبْلِكَ يُرِيدُونَ أَنْ يَتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ
 وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ وَيُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ
 يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا ﴿٦٥﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَى مَا
 أَنْزَلَ اللَّهُ وَإِلَى الرَّسُولِ رَأَيْتِ الْمُنَافِقِينَ يَصُدُّونَ
 عَنْكَ صُدُودًا ﴿٦٦﴾ فَكَيْفَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ بِمَا
 قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ ثُمَّ جَاءُوكَ يَحْلِفُونَ بِاللَّهِ إِنْ أَرَدْنَا
 إِلَّا إِحْسَانًا وَتَوْفِيقًا ﴿٦٧﴾ أُولَئِكَ الَّذِينَ يَعْلَمُ اللَّهُ
 مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَعِظْهُمْ وَقُلْ لَهُمْ فِي
 أَنْفُسِهِمْ قَوْلًا بَلِيغًا ﴿٦٨﴾ وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا
 لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ ۚ وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ
 جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ
 لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا ﴿٦٩﴾ فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ
 حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا
 فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا ﴿٧٠﴾

آیا ندیده‌ای کسانی را که گمان می‌کنند به آنچه بر تو نازل شده و به آنچه پیش از تو نازل شده ایمان آورده‌اند، [اما] می‌خواهند داوری به نزد طاغوت ببرند، حال آنکه فرمان یافته‌اند بدان کفر ورزند و شیطان می‌خواهد آنان را به گمراهی دور و درازی بکشاند. ﴿۶۰﴾

و هنگامی که به آنان گفته می‌شود: به سوی آنچه خدا نازل کرده و به سوی این پیامبر بیایید، منافقان را می‌بینی که از تو سخت روی برمی‌تابند. ﴿۶۱﴾ پس چگونه خواهد بود حال آنها آن‌گاه که بر اثر کاری که به دست خود کرده‌اند گزند به آنان رسد، سپس نزد تو آیند و به خدا سوگند خورند که هدف ما از بردن داوری نزد دیگران چیزی جز نیکی [رنج نرساندن به تو] و سازش [میان مشاجره‌کنندگان] نبود؟ ﴿۶۲﴾

اینان کسانی‌اند که خدا آنچه را که در دل دارند می‌داند؛ پس از آنان روی بگردان و اندریشان ده و به ایشان دربارهٔ خودشان گفتار رسا [مؤثر و سودمند] بگو. ﴿۶۳﴾ ما هیچ پیامبری را نفرستادیم مگر برای اینکه به اذن خدا در همهٔ امور از او پیروی شود؛ اگر آنان پس از آنکه بر خود ستم کردند نزد تو می‌آمدند و از خدا آمرزش می‌خواستند و پیامبر نیز برای آنان طلب آمرزش می‌کرد، قطعاً خدا را توبه‌پذیر و مهربان می‌یافتند. ﴿۶۴﴾

ولی چنین نیست؛ به پروردگارت سوگند، آنان مؤمن نیستند مگر اینکه تو را در آنچه میانشان مایهٔ اختلاف است به داوری طلبند، آن‌گاه از داوری تو در خود، احساس هیچ‌گونه ناخرسندی و ناراحتی نکنند و کاملاً تسلیم حکم تو باشند. ﴿۶۵﴾



درس پنجم

مسئولیت‌های پیامبر ﷺ



پیامبر اکرم ﷺ، به عنوان آخرین پیام‌رسان الهی، به مدت بیست و سه سال مردم را به آخرین و کامل‌ترین برنامه هدایت فراخواند و برای رستگاری آنان و نجاتشان از گمراهی، تلاش بسیاری کرد و با استقامت و صبری بی‌مانند، وظیفه سنگین رسالت را به پایان رساند. در این درس، به این سؤال می‌پردازیم که :

خداوند متعال چه مسئولیت‌ها و وظایفی را بر عهده آن حضرت گذاشته بود؟

تعلیمات قرآن کریم و سیره رسول خدا ﷺ نشان می‌دهد که ایشان به عنوان فرستاده خداوند، سه مسئولیت مهم را عهده‌دار بود:

۱- دریافت و ابلاغ وحی

رسول خدا ﷺ آیات قرآن کریم را به طور کامل از فرشته وحی دریافت می‌کرد و بدون ذره‌ای کم یا زیاد به مردم می‌رساند.

پیامبر اکرم ﷺ این مسئولیت را به طور کامل انجام داد و همه آیات قرآن را برای مردم خواند. همچنین نویسندگانی را مأمور نوشتن قرآن نمود؛ عده زیادی نیز با اشتیاق، آیات قرآن را فرامی‌گرفتند و در سینه خود حفظ و به آن عمل می‌کردند. یکی از یاران پیامبر، به نام عبدالله بن مسعود می‌گوید: «ما ده آیه از قرآن را از پیامبر فرا می‌گرفتیم و بعد از اینکه در معنای آن تفکر می‌کردیم و به آن عمل می‌نمودیم، بار دیگر برای یاد گرفتن آیات بعدی، نزد پیامبر می‌رفتیم».^۱

نویسندگان قرآن را «کاتبان وحی» و آنان که قرآن را به خاطر سپرده و حفظ می‌کردند، «حافظان وحی» می‌نامیدند. اولین و برترین کاتب و حافظ قرآن کریم، حضرت علی (ع) بود.

پیامبر اکرم ﷺ همچنین قرآن کریم را که به تدریج نازل می‌شد، مرتب و تنظیم کرد و در اختیار آیندگان قرار داد. اکنون که قرن‌ها از زمان نزول قرآن می‌گذرد، این کتاب آسمانی به همان صورتی که رسول خدا ﷺ آیات و سوره‌های آن را تنظیم کرده بود، در میان مردم وجود دارد و مشتاقان هدایت به آسانی می‌توانند از آن بهره ببرند.

دانش تکمیلی

اگر دوست دارید اطلاعات بیشتری در مورد شیوه تنظیم آیات توسط پیامبر ﷺ کسب کنید، به سایت گروه قرآن و معارف، بخش «دانش تکمیلی» مراجعه کنید.

۲- تعلیم و تبیین تعالیم قرآن (مرجعیت دینی)

پیامبر اکرم ﷺ، علاوه بر رساندن وحی به مردم، وظیفه تعلیم و تبیین آیات قرآن کریم را نیز برعهده داشت تا مردم بتوانند به معارف بلند این کتاب آسمانی دست یابند و جزئیات احکام و قوانین را بفهمند و شیوه عمل کردن به آن را بیاموزند. از این رو، گفتار و رفتار پیامبر ﷺ اولین و معتبرترین مرجع علمی برای فهم عمیق آیات الهی است و مسلمانان با مراجعه به گفتار و رفتار آن حضرت، به معنای واقعی بسیاری از معارف قرآن پی می‌برند و شیوه انجام دستورات قرآن را می‌آموزند. ماهم اکنون، نماز،

۱- جامع البیان، طبری، ج ۱، ص ۲۷.

روزه، حج و بسیاری دیگر از وظایف خود را که کلیات آنها در قرآن کریم آمده است، مطابق گفتار و رفتار رسول خدا ﷺ انجام می‌دهیم. به‌راستی که ایشان اولین و بزرگ‌ترین معلّم قرآن بوده است.

تدبّر در قرآن

به کمک دوستان خود بیان کنید که آیه زیر، به کدام یک از مسئولیت‌های پیامبر اشاره دارد :

لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ، يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يُزَكِّيهِمْ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ إِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ^۱.

۳- اجرای قوانین الهی با تشکیل حکومت اسلامی (ولایت ظاهری)

مسئولیت دیگر پیامبر اکرم ﷺ ولایت بر جامعه است. ولایت به معنای سرپرستی و رهبری است. ایشان به محض اینکه مردم مدینه اسلام را پذیرفتند، به این شهر هجرت کرد و به کمک مردم آن شهر (انصار) و کسانی که از مکه آمده بودند (مهاجران)، حکومتی را که بر مبنای قوانین اسلام اداره می‌شد، پی‌ریزی نمود. ایشان مسجد مدینه را که در همان روزهای اوّل ورود به شهر ساخته شد، محل حکومت و رهبری خود قرار داد و به تدریج با توسعه حکومت اسلامی، سایر احکام خداوند را در همه ابعاد فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، قضایی، نظامی و ...، با کمک مردم به اجرا درآورد و به گسترش عدالت پرداخت.

روایات متعددی از معصومین (علیهم‌السلام) نقل شده است که اسلام را بر «پنج پایه» استوار دانسته و از میان آنها «ولایت» را مهم‌ترین پایه شمرده‌اند. از جمله آنها این حدیث امام باقر (علیه‌السلام) است :

بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ	اسلام بر پنج پایه استوار است :
عَلَى الصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ	بر نماز، زکات،
وَ الصَّوْمِ وَ الْحَجِّ وَ الْوَلَايَةِ	روزه، حج و ولایت،
وَ لَمْ يُنَادِ بِشَيْءٍ	و به چیز دیگری دعوت نشده
كَمَا نُوَدِّي بِالْوَلَايَةِ ^۲	آن‌گونه که [مردم] به ولایت دعوت شده‌اند.

۱- سورة آل عمران، آیه ۱۶۴.

۲- بحار الانوار، مجلسی، ج ۶۸، باب ۲۷، روایت ۱.

نمونه‌هایی از اقدامات پیامبر در تشکیل حکومت اسلامی

پیامبر اکرم ﷺ وقتی به مدینه هجرت کرد، ابتدا اقدام به ساختن مسجد کرد تا محل و پایگاهی برای رسیدگی به امور جامعه داشته باشد؛ سپس مسلمانان را گرد آورد و میان آنان، پیمان اخوت و برادری بست. برای اداره کشور و کمک به فقیران و انجام کارهای عمومی، به امر خدا خمس و زکات را مقرر کرد و محلی به نام «بیت‌المال» تأسیس کرد تا پول و اموالی که مربوط به حکومت اسلامی است در آنجا ذخیره و در زمان مناسب هزینه شود.

باسوادها را مأمور کرد تا به دیگران سواد بیاموزند، به گونه‌ای که حتی اگر اسیری ده نفر از مسلمانان را باسواد می‌کرد، آزاد می‌شد.

با کشورهای دیگر رابطه برقرار کرد و نمایندگانی را به سوی کشورهای مختلف از جمله ایران و روم فرستاد و پادشاهان آنان را به اسلام دعوت کرد.

برای حفظ سرزمین اسلامی از تهاجم کفار، سپاه و لشکر تشکیل داد. در سال هشتم هجری، برای حفظ سرزمین اسلامی از تعرض رومیان، به مرز روم شرقی لشکر کشید و آنان را عقب راند. مردم را با شیوه زندگی اسلامی آشنا کرد و روابط اجتماعی صحیح را به آنان تعلیم داد؛ به طوری که پس از گذشت زمانی محدود، مردم حجاز را که بیشترشان بیابانگرد بودند، به جامعه و امتی یکپارچه و قانونمند تبدیل کرد که خدای یگانه را می‌پرستیدند، با مسلمانان از هر رنگ و نژاد احساس برادری می‌کردند، حق همسایه را رعایت می‌کردند، حقوق مالی خود را می‌پرداختند، از فقیران دستگیری می‌کردند و یتیم را سرپرستی می‌نمودند؛ به معروف امر می‌کردند و از منکر نهی می‌نمودند، بر اساس قوانین اسلام تجارت می‌نمودند، در برابر مهاجم و بیگانه یک صدا بوده و در صف واحد مبارزه می‌کردند.

ضرورت تشکیل حکومت اسلامی

ممکن است این سؤال مطرح شود که چرا جامعه اسلامی نیازمند حکومت اسلامی است؟ و چرا ولایت و حکومت، یکی از مهم‌ترین دستورات اسلامی شمرده شده است؟

در پاسخ به این سؤال، دلایل زیادی ذکر شده که به سه مورد آن اشاره می‌کنیم:

الف) ضرورت اجرای احکام اجتماعی اسلام: اسلام یک دین کاملاً اجتماعی است؛ یعنی علاوه بر توجه به فرد، به زندگی اجتماعی توجه کامل دارد و حتی تا آنجا که مقدور بوده، به برخی احکام

فردی، همچون عبادت نیز جنبه اجتماعی داده است؛ مثلاً نماز جماعت را از نماز فردی برتر دانسته و برای آن ثواب بیشتری قرار داده است.

اصولاً یکی از اهداف ارسال پیامبران آن بود که مردم، جامعه‌ای بر پایه عدل بنا کنند و روابط مردمی و زندگی اجتماعی خود را بر اساس قوانین عادلانه بنا نهند. این هدف بزرگ بدون وجود یک نظام حکومتی سالم، میسر نیست. آیا می‌شود که خداوند هدفی را برای ارسال پیامبر خود تعیین کند، ولی ازار و شیوه رسیدن به آن را نادیده بگیرد؟ همچنین قرآن کریم احکام اجتماعی متعددی دارد؛ مانند خمس، زکات، حقوق و مسئولیت‌های خانواده و جامعه، امر به معروف، نهی از منکر، مبارزه با ظلم و جهاد با تجاوزگران و ستمکاران. روشن است که اجرای این قوانین، بدون تشکیل حکومت امکان‌پذیر نیست.

ب) ضرورت پذیرش ولایت الهی و نفی حاکمیت طاغوت: ولی و سرپرست حقیقی انسان‌ها خداست و به همین جهت، فرمانبرداری و اطاعت از دستورهای او و کسانی که خودش معین کرده، ضروری و واجب است. اجرای هر قانون و پیروی از هر کس، هنگامی صحیح است که به گونه‌ای به قانون الهی و فرمان او بازگردد.

کسانی که به مردم فرمان می‌دهند و قانونگذاری می‌کنند، در حالی که فرمان و قانونشان نشئت گرفته از فرمان الهی نیست، «طاغوت» نامیده می‌شوند. پذیرش حکومت «طاغوت» و انجام دستورهای وی بر مسلمانان حرام است. بنابراین، لازم است در جامعه، حکومتی وجود داشته باشد که «طاغوتی» نباشد؛ یعنی مورد پذیرش خداوند باشد و دستورات الهی را که در قرآن و روایات آمده است، به اجرا در آورد.

ج) ضرورت حفظ استقلال جامعه اسلامی: یکی دیگر از عواملی که تشکیل حکومت اسلامی را ضروری می‌کند، استقلال جامعه اسلامی است. قرآن کریم از مؤمنان می‌خواهد که سلطه بیگانگان را نپذیرند و زیر بار آنها نروند؛ این حکم قرآنی را «قاعده نفی سبیل»^۱ می‌گویند. مستکبران و ستمگران جهان همواره بر آن‌اند که بر جوامع دیگر مسلط شوند و از منابع مادی و معنوی آنان بهره ببرند. تشکیل حکومت اسلامی، هم مانع سلطه بیگانگان می‌شود و هم می‌تواند روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی را با سایر کشورها به گونه‌ای تنظیم کند که جامعه اسلامی استقلال خود را در جهات مختلف حفظ نماید و بیگانگان برای تسلط بر مسلمانان راهی نیابند.

۱- «نفی سبیل»، به معنای «نبودن راه» است؛ یعنی بستن راه نفوذ؛ یعنی بیگانگان نباید راهی برای سلطه و نفوذ در جامعه اسلامی داشته باشند.

در آیات زیر تفکر کنید و مشخص کنید که دلایل مطرح شده در بحث ضرورت حکومت اسلامی، (دلایل الف و ب) با کدام یک از آیات زیر مرتبط است.

۱- أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِمَا نُزِّلَ إِلَيْكَ وَمَا نُزِّلَ مِنْ قَبْلِكَ، يُرِيدُونَ أَنْ يَتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ، وَيُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا.^۱
آیا ندیده‌ای کسانی که گمان می‌برند به آنچه بر تو نازل شده و به آنچه پیش از تو نازل شده ایمان دارند، اما می‌خواهند داوری را نزد طاغوت ببرند، حال آنکه به آنان دستور داده شده که به آن کفر بورزند و شیطان می‌خواهد آنان را به گمراهی عمیقی بکشاند.

۲- لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ.^۲
به راستی که پیامبرانمان را همراه با دلایل روشن فرستادیم و همراه آنان کتاب آسمانی و میزان نازل کردیم تا مردم به اقامه عدل و داد برخیزند.

۳- ...وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا.^۳
و خداوند هرگز راهی برای سلطه کافران بر مؤمنان قرار نداده است.

سوره، آیه	دلیل
سورة نساء، آیه ۶۰	
سورة حدید، آیه ۲۵	
سورة نساء، آیه ۱۴۱	

کشف رابطه

امام خمینی رحمته الله رهبر کبیر انقلاب اسلامی، بزرگ‌ترین شخصیت عصر حاضر است که به تبیین ضرورت حکومت اسلامی پرداخته و با بیان روشن‌گرانه خود، توجه مردم را بدان جلب کرده است. در سخنانی که از ایشان نقل می‌شود، بیندیشید و ببینید که با کدام یک از دلایل تشکیل حکومت ارتباط دارد.

۱- سورة نساء، آیه ۶۰.

۲- سورة حدید، آیه ۲۵.

۳- سورة نساء، آیه ۱۴۱.

سخنان امام خمینی <small>علیه السلام</small>	دلیل
به این دلیل که هر نظام سیاسی غیراسلامی، نظامی شرک‌آمیز است؛ چون حاکمش «طاغوت» است، ما موظفیم آثار شرک را از جامعهٔ مسلمانان و از حیات آنان دور کنیم و از بین ببریم. ^۱	
مذهب اسلام هم‌زمان با اینکه به انسان می‌گوید که خدا را عبادت کن و چگونه عبادت کن، به او می‌گوید چگونه زندگی کن و روابط خود را با سایر انسان‌ها چگونه باید تنظیم کنی و حتی جامعهٔ اسلامی با سایر جوامع چگونه روابطی باید برقرار نماید. هیچ حرکتی و عملی از فرد و جامعه نیست، مگر اینکه مذهب اسلام برای آن حکمی مقرر داشته است. ^۲	



ولایت معنوی رسول خدا صلی الله علیه و آله

همان طور که دیدیم، رسول خدا صلی الله علیه و آله از طرف خداوند، مسئول تشکیل حکومت و اجرای قوانین اسلام است؛ یعنی ولایت و سرپرستی جامعه را بر عهده دارد و این، همان ولایت ظاهری است. اما آن حضرت ولایت معنوی را نیز عهده‌دار است. ولایت معنوی همان سرپرستی و رهبری معنوی انسان‌هاست که مرتبه‌ای برتر و بالاتر از ولایت ظاهری شمرده می‌شود.

این ولایت چیست و چگونه انجام می‌پذیرد؟

رسول خدا صلی الله علیه و آله با انجام وظایف عبودیت و بندگی و در مسیر قرب الهی، به مرتبه‌ای از کمال نائل شد، که می‌توانست عالم غیب و ماورای طبیعت را مشاهده کند و به اذن الهی در عالم خلقت تصرف نماید. به طور مثال، به اذن الهی قادر بود بیمار را شفا بخشد، بلایی را از شخص یا جامعه دور نماید و حاجات مردم را در صورتی که صلاح آنها در آن باشد، برآورده سازد.

ایشان با استفاده از این قدرت و ولایت، دل‌های آماده را نیز هدایت می‌کند. البته این هدایت، یک کار ظاهری، یعنی از طریق آموزش معمولی و عمومی نیست؛ بلکه از طریق امداد غیبی و الهامات و مانند آن، صورت می‌گیرد. میزان بهره‌مندی انسان‌ها از این هدایت، به درجهٔ ایمان و عمل آنان بستگی دارد. هر قدر درجهٔ ایمان و عمل انسان‌ها بالاتر باشد، استعداد و لیاقت دریافت هدایت‌های معنوی را بیشتر کسب می‌کنند. نمونه‌ای کامل از این نوع هدایت را می‌توانیم در رفتار رسول خدا صلی الله علیه و آله با حضرت علی علیه السلام ببینیم. آن

۱- ولایت فقیه، امام خمینی، ص ۴۰.

۲- صحیفهٔ امام خمینی، ج ۴، صص ۱۶۷ و ۱۶۸.

حضرت از همان دوران کودکی که تحت تربیت رسول خدا ﷺ قرار گرفت، با استعداد بی نظیر خود، مراتب کمال را در ایمان و عمل به سرعت پیمود. به همین جهت، علاوه بر تربیت از روش های معمولی، از هدایت های معنوی رسول خدا ﷺ نیز بهره می برد. آن حضرت فرموده است: «روزی رسول خدا ﷺ هزار باب از علم را به رویم گشود که از هر کدام، هزار باب دیگر گشوده می شد».^۱ روشن است که آموزش این علوم از طریق آموختن معمولی نبوده، بلکه به صورت الهام بر روح و جان حضرت علی علیه السلام بوده است.^۲

عصمت پیامبر اکرم ﷺ

پیامبر زمانی می تواند مسئولیت خود را به درستی انجام دهد که تحت تأثیر هواهای نفسانی قرار نگیرد و مرتکب گناه و خطا نگردد. مردم نیز زمانی گفته ها و هدایت های وی را می پذیرند که مطمئن باشند که در هیچ گاه مرتکب گناه و اشتباه نمی شود. اگر آنان احتمال دهند که پیامبرشان گناه می کند و دچار خطا می شود، به آن اعتماد نمی کنند و از وی پیروی نخواهند کرد. به عبارت دیگر، بدون وجود عصمت، مسئولیت پیامبری به نتیجه نخواهد رسید؛ زیرا:

❁ اگر پیامبری در دریافت وحی و ابلاغ آن به مردم معصوم نباشد، دین الهی به درستی به مردم نمی رسد و امکان هدایت از مردم سلب می شود.

❁ اگر پیامبری در تعلیم و تبیین دین و وحی الهی معصوم نباشد، امکان انحراف در تعالیم الهی پیدا می شود و اعتماد مردم به دین از دست می رود.

❁ اگر پیامبری در اجرای احکام الهی معصوم نباشد، امکان دارد کارهایی که مخالف دستورهای خداست، انجام دهد و مردم نیز از او سرمشق بگیرند و مانند او عمل کنند و به گمراهی دچار شوند.

حال، می توان پرسید: چه کسی تشخیص می دهد که کدام فرد توانایی مقاومت در مقابل وسوسه گناه دارد؟ روشن است که این کار از انسان ها ساخته نیست و فقط خداوند است که از آشکار و نهان افراد اطلاع دارد و می تواند توانایی فرد در دوری از گناه را تشخیص دهد. بنابراین، وقتی خداوند کسی را به پیامبری برمیگزیند، معلوم می شود که وی می تواند مسئولیت خود را به درستی انجام دهد. خدای متعال در این باره می فرماید:

اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ^۳ خدا بهتر می داند رسالتش را کجا قرار دهد.

۱- بحار الانوار، مجلسی، ج ۲۲، ص ۴۷۰، باب اول.

۲- بداية المعارف، محمدرضا مظفر، جامعه مدرسین قم، ج ۱، ص ۴۶. بسیاری از ابعاد ولایت معنوی رسول خدا و ائمه اطهار علیهم السلام در زیارت جامعه کبیره آمده است.

۳- سورة انعام، آیه ۱۲۴.

حال بینیم که معصومیت پیامبران به چه صورت است. آیا یک مانع بیرونی مانند فرشته، پیامبران را از گناه و خطا حفظ می‌کند یا آنان با اختیار خود به سمت گناه و خطا نمی‌روند؟

در پاسخ می‌گوییم: پیامبران با اینکه مانند ما انسان‌ها غریزه و اختیار دارند، در مقام عمل به دستورات الهی دچار گناه نمی‌شوند؛ زیرا کسی گناه می‌کند که هوئی و هوس بر او غلبه کند، اما کسی که حقیقت گناه و معصیت را مشاهده می‌کند و می‌داند که با انجام آن از لطف و رحمت خداوند دور می‌شود، محبت به خدا را با هیچ چیز عوض نمی‌کند.

البته ما انسان‌ها نیز در مورد بعضی از گناهان معصوم هستیم و حتی تصوّر آنها نیز برای ما ناراحت‌کننده و آزاردهنده است، اما پیامبران درباره همه گناهان عصمت دارند.

پاسخ سؤالات شما

برخی می‌پرسند اگر پیامبر و امامان معصوم اند، پس چرا این قدر به درگاه خداوند استغفار می‌کردند؟

پاسخ اینکه: استغفار پیامبران و امامان به درگاه خداوند از چند جهت بوده است:

۱- استغفار و توبه مراتب و درجاتی متناسب با توبه‌کنندگان دارد. توبه گنهکاران برای رفع گناه است و توبه و استغفار اولیای الهی برای دفع گناه؛ چنان که گاهی لباسی آلوده می‌شود و برای پاک و تمیز کردن، آن را می‌شویند (رفع) و گاهی لباس چنان شفاف و تمیز است که با دقت مراقب‌اند تا آلوده نشود (دفع).

اولیای خدا با اشک و آه از خداوند می‌خواهند که آنان را در عرصه مبارزه با شیطان پیروز گرداند تا قلب آنان آلوده به گناه نشود. آنان به خوبی می‌دانند که اگر یک لحظه لطف خداوند از آنان گرفته شود، به دام نفس امّاره و شیطان می‌افتند.

۲- اولیای الهی وقتی به خود و اعمال خویش می‌نگرند با تمام عظمت و بزرگی که آن اعمال دارند، آنها را در برابر عظمت بی‌نهایت الهی بسیار کوچک می‌بینند؛ مانند کسی که مهم‌ترین دارایی‌اش مقداری آب گل‌آلود باشد و آن را برای سلطان و پادشاهی هدیه ببرد و چون عظمت بارگاه پادشاه را می‌بیند، از آنچه آورده، سخت شرمسار و سرافکنده می‌گردد. پیامبران و امامان به دلیل تواضع و فروتنی‌ای که در برابر خداوند دارند، اعمال خود را در برابر آن همه لطف و محبت خداوند به بندگانش بسیار ناچیز می‌دانند. به همین دلیل، از ناچیز بودن اعمال خود شرم‌مندی دارند و به درگاه خداوند عذر خواهند.

۳- از سویی مسئولیت پیامبر و ائمه علیهم‌السلام ایجاب می‌کرد تا آنان با افراد مختلفی سر و کار داشته

باشند؛ از صالحان و نیکان گرفته تا انسان های آلوده به گناه و تبهکار. معاشرت زیاد پیامبران با مردم باعث می شد آنان احساس کنند که غباری بر قلب شان نشسته است که با استغفار به دنبال زدودن آن باشند. چنان که پیامبر فرمود :

أَنَّهُ لَيُغَانُ عَلَى قَلْبِي وَإِنِّي لَأَسْتَغْفِرُ اللَّهَ فِي كُلِّ يَوْمٍ سَبْعِينَ مَرَّةً؛ «گاهی بر دلم غبار می نشیند و من هر روز هفتاد بار از خدا آمرزش می خواهم»^۱.

البته این غباری که پیامبر می فرمایند بر قلب ایشان نشسته است با غباری که به دلیل گناهان بر قلب ما می نشیند تفاوت دارد. به طور مثال اگر سالن بزرگی را با نور کمی روشن کنیم، جزاشیای بزرگ را نخواهیم دید، ولی اگر همین سالن را با نور زیاد روشن کنیم، حتی یک دانه ارزن هم دیده می شود. پس می توان گفت : چون نور ایمان افراد عادی کم است؛ تنها، گناهان بزرگ خود را می بینند، ولی پیامبران و امامان معصوم علیهم السلام که از نور ایمان بسیار بالایی برخوردارند، اگر از هر لحظه عمرشان در حد اعلی بهره مند نشوند استغفار می کنند.

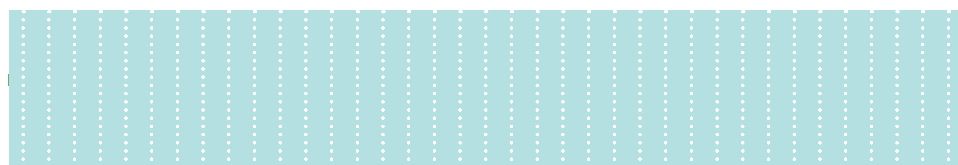
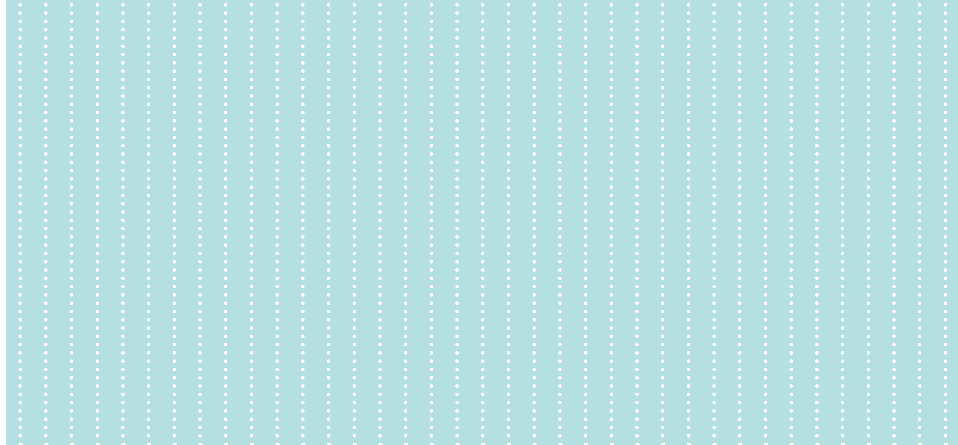
اندیشه و تحقیق

- ۱- نمونه هایی از احکام اجتماعی اسلام که اجرای آنها نیازمند تشکیل حکومت است را بیان کنید.
- ۲- به نظر شما کدام یک از احکام و دستورات دین اسلام نیاز بیشتری به تشکیل حکومت الهی دارد؟
 - (الف) نماز و روزه واجب
 - (ب) حج
 - (ج) امر به معروف و نهی از منکر
 - (د) حجاب و پوشش
 - (هـ) توانمندی نظامی و ایجاد رعب در دل دشمنان
 - (و) نفی سلطه بیگانگان
 - (ز) کمک به مسلمانان گرفتار در نقاط مختلف جهان
- ۳- با توجه به حدیث امام باقر علیه السلام بیان کنید که چرا ولایت، از نماز و روزه و سایر عبادات مهم تر است؟

۱- من لا یحضره الفقیه، صدوق، ج ۴، ص ۳۸۵.

فایل پی‌دی‌اف کتاب‌های معرفی شده در این بخش، در سایت گروه قرآن و معارف به آدرس <http://quran-dept.talif.sch.ir>، بخش «معرفی کتاب» موجود است.

نام کتاب	نویسنده	انتشارات	مخاطب
قلمرو پیامبران	احد فرامرز قراملکی	کانون اندیشه جوان	معلم/ دانش آموز
نسیم اندیشه (پرسش‌ها و پاسخ‌ها)	عبدالله جوادی آملی	اسراء	معلم/ دانش آموز
وحی و نبوت	مرتضی مطهری	صدرا	معلم



فِيمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لَئِنْ لَمْ يَنْصَرِكُمْ فَمَا يَكُنْ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ يَوْمَئِذٍ حَافِظٌ ۚ وَمَنْ يَنْصُرِكُمْ فَقَدْ حَبِطَ اللَّهُ عَنْهُ الْحَزَنُ ۚ إِنَّ الَّذِينَ يُنَاصِرُكُمْ فَقَدْ حَبِطَ اللَّهُ عَنْهُمْ ۚ وَمَنْ يُغْلِبْكُمْ فَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْ اللَّهِ حَقًّا بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ ۚ

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُدْخِلَنَّهُمْ فِي رَحْمَتِنَا ۚ وَلِلَّهِ الْغَلْبُ ۚ وَلِلَّهِ الْأَمْرُ ۚ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ ۚ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ ﴿١٥٦﴾

إِنْ يَنْصُرْكُمُ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ ۚ وَإِنْ يَخْذُلْكُمْ فَمَنْ ذَا الَّذِي يَنْصُرُكُمْ مِنْ بَعْدِهِ ۚ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ ﴿١٥٧﴾ وَمَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَنْ يَغُلَّ ۚ وَمَنْ يَغْلُلْ يَأْتِ بِمَا غُلَّ يَوْمَ الْقِيَمَةِ ۚ ثُمَّ تُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿١٥٨﴾

أَفَمَنْ اتَّبَعَ رِضْوَانَ اللَّهِ كَمَنْ بَاءَ بِسَخَطٍ مِنَ اللَّهِ وَ مَأْوَاهُ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ ﴿١٥٩﴾ هُمْ دَرَجَتُهُ عِنْدَ اللَّهِ ۚ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ ﴿١٦٠﴾ لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذَا بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يُزَكِّيهِمْ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ﴿١٦١﴾

ای پیامبر، به مهر الهی با آنان نرم شدی؛ اگر تندخو و سخت دل بودی، از گرد تو پراکنده می شدند، پس از آنان درگذر، و برای آنان، آمرزش طلب کن، و در این کار با آنان مشورت کن، و چون تصمیم گرفتی بر خدا توکل نما که خدا توکل کنندگان را دوست دارد. ﴿۱۵۹﴾

اگر خدا شما را یاری کند، هیچ کس بر شما چیره نمی شود، و اگر شما را واگذارد، چه کسی بعد از او شما را یاری خواهد کرد؟ پس مؤمنان باید تنها بر خدا توکل کنند. ﴿۱۶۰﴾

[گمان کردید ممکن است پیامبر به شما خیانت کند؟! در حالی که] و هیچ پیامبری را نشاید که به خدا یا مردم خیانت کند [چه رسد به خاتم الانبیاء، هرکس خیانت ورزد، روز قیامت با آنچه که از راه خیانت به دست آورده حاضر شود، سپس به هرکسی همان را که فراهم آورده است، بی کم و کاست خواهند داد و] به همین دلیل در حق آنان ستم نمی شود. ﴿۱۶۱﴾

پس آیا کسی که خشنودی خدا را دنبال کرده، مانند کسی است که با خشمی از خدا بازگشته و جایگاهش دوزخ است؟ آن بد بازگشتگاهی است. ﴿۱۶۲﴾

همه آنان — چه کسانی که در پی خشنودی خدایند و چه کسانی که دچار خشم او شده اند — نزد خدا برحسب اعمالشان دارای درجاتی گوناگونند، و خدا به آنچه [از نیکی و بدی] می کنند بیناست. ﴿۱۶۳﴾

به یقین خدا به مؤمنان نعمتی بزرگ ارزانی داشت که پیامبری از خودشان [نه از فرشته یا جن] در میان آنان برانگیخت که آیاتش را بر آنان تلاوت کند و آنان را [از کارهای زشت و اخلاق ناپسند] پاک سازد و کتاب آسمانی و معارف آن را به ایشان بیاموزد، و قطعاً آنان پیش از بعثت پیامبر در گمراهی آشکاری فرورفته بودند. ﴿۱۶۴﴾